

مما يقرأه، أتتروا القرآن و ما فتوموا  
 آياته و ما تنزلوا إلى ستمائة و فلا تنسوا  
 فتشابهة، فوالله إن بيتي لكم دواجدة و إن  
 يوحى لكم تفسيره إلا أدعانا أحد يديه  
 و مضىة إلى دنائنا بشيء (و ما هنة يده) و  
 فتلصصكم: أن من ضمنت قولا فمما علي  
 قولا، و هو علي في أي طالب أحد و وحي،  
 و قولاته من الله عزوجل أنزلها علي.  
 مما ينزلنا، إن عليا و الطيبين من ولده (من  
 طيب) ثم النزل الأصغر، و القرآن النزل  
 الأكبر، فكل واحد منهما مقيس عن  
 صاحبه و هو في له، إن يقر فالحق يوحى علي  
 الخوارج إلا أنهم أمنا، له في خلفه و  
 عضامة في أمته. الأوقف أميت الأ  
 وقف تلت، الأوقف أميت، الأوقف  
 أوقف، إلا و إن الله عزوجل قال  
 و أنا قلت عن الله عزوجل، الآلة لا  
 (أهنا المؤمن) غير أحد مما، إلا لا حل  
 إبرة المؤمن يمد لأحد غيره. ثم قال:  
 (أبها الثاني، من أولي بيتي من أنفسكم؟  
 قالوا: الله و رسوله. فقال: إلا من ضمنت  
 قولا فمما علي قولا، اللهم و مال  
 من ولاة و عام من عامة و ما من  
 نعمة و أخذ من عذبة، مما ينزلنا،  
 مما علي أحد و وحي و ما علي طيب،  
 و خلفي في أمي علي من أمي و علي تفسير  
 كتاب الله عزوجل و ما علي الله  
 و ما علي ما نزلناه و ما حادرت لأعماله  
 و أقواله علي طيبه و ما علي عن منيته.  
 إنه خليفة رسول الله و أمير المؤمنين  
 و الإمام المهدي من الله، و قال الناكبي  
 و الناصبي و ما هو من أقواله. يقول الله:  
 (ما ينزل القول لده). بأرضك بأرض أقول:  
 اللهم و مال من ولاة و عام من عامة  
 (و ما من نعمة و أخذ من عذبة) و ما من  
 من نعمة و أخذت علي من حمد حقه.  
 اللهم إنك أتيت الآلة في علي و لك  
 عذبتين و ما لك و نبيك إية هذا اليوم:  
 (اليوم أخذت لكم دينكم و أقمتم  
 عليكم نبي و ما حادرت لأعماله  
 و ما من نعمة و أخذ من عذبة) و ما من  
 من نعمة و أخذت علي من حمد حقه.  
 اللهم و مال من ولاة و عام من عامة  
 (و ما من نعمة و أخذ من عذبة) و ما من  
 من نعمة و أخذت علي من حمد حقه.  
 اللهم و مال من ولاة و عام من عامة  
 (و ما من نعمة و أخذ من عذبة) و ما من  
 من نعمة و أخذت علي من حمد حقه.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عهد ماندگار

ویژه جشن  
ولایت علوی، اکمال دین نبوی

ناشر، تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت

فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

نویسنده: سید محمد علی جلالی

طراح جلد: آرزو آقاباباییان گرافیک داخلی و صفحه آرا: فاطمه سعیدی

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

غیرقابل فروش / اهدایی

آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سید علی مجتمع

فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه،

معاونت فرهنگی و اجتماعی.

تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۰۸

سازمان اوقاف و امور خیریه  
معاونت فرهنگ و اجتماعی



سایت سازمان: [www.oghaf.ir](http://www.oghaf.ir)

سایت معاونت: [www.mfso.ir](http://www.mfso.ir)

سایت مجتمع: [www.mfpo.ir](http://www.mfpo.ir)

۰۴	برای شروع
۰۷	واقعه غدیر
۳۵	راویان حدیث غدیر از صحابه
۴۱	متن خطبه
۹۵	کتاب‌نامه
۰۸	آغاز سفر
۰۹	از مدینه تا مکه
۱۰	حجاج یمن همراه امیرالمؤمنین
۱۱	خطبه‌های زمینه‌ساز
۱۳	تحویل میراث انبیاء به صاحب ولایت
۱۴	سلام به عنوان «امیرالمؤمنین»
۱۴	اعلان عمومی حضور در غدیر
۱۶	موقعیت جغرافیایی غدیر خم
۱۷	ورود به منطقه غدیر
۱۹	آماده‌سازی جایگاه سخنرانی
۲۰	پیامبر و امیرالمؤمنین بر فراز منبر
۲۱	اقدامات عملی پیامبر حین خطبه
۲۳	تبریک و تهنیت غدیر و ولایت
۲۴	بیعت مردان
۲۶	بیعت زنان
۲۷	عمامه «سحاب»
۲۸	شعر غدیر
۲۹	حضور جبرئیل در غدیر
۳۰	معجزه الهی در غدیر
۳۳	پایان مراسم غدیر



یکی از مهم‌ترین وظایف ما شیعیان، افزایش معرفت نسبت به امامان معصوم علیهم‌السلام و دین و آیین و آموزه‌های دینی است؛ و به یقین بهترین راه برای شناخت هر شخص، شناسنامه و معرفی‌نامه‌ای است که توسط خود آن شخص آماده و نوشته شده باشد، چراکه طبیعتاً بیشترین و دقیق‌ترین اطلاعات و معلومات را خود شخص دارد.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که در زندگی خود فرمایشی در موضوعات دینی و دستورات الهی فرمود، مگر آنکه وحی الهی بود و انجام دستور خداوند. در روز عید غدیر، در آن اجتماع بی‌سابقه مسلمانان، و با آن شرایط ویژه، خطبه‌ای ایراد کرد که نتیجه‌گیری زحمات بیست و سه سال رسالتش بود و اتمام حجتی در بیان مقام جانشینی و ولایت مسلمین، پس از خود. خطبه‌ای که خواندنش به دستور خداوند بود و نخواندنش مساوی با عدم ابلاغ کامل رسالت:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند»<sup>۱</sup>.

خطبه‌ای که پس از خواندنش، خداوند آیه‌ای بی‌بدیل نازل کرد و در آن به اكمال دین و اتمام نعمتش اشاره فرمود:

«الْيَوْمَ بَيَّسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَنْتُمْ عَلَىٰكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛

امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابراین، از آن‌ها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم»<sup>۲</sup>.

خطبه‌ای که بسیاری از ما حتی یک بار هم آن را نخوانده‌ایم و شاید از وجود چنین خطبه مفصل و عمیقی، حتی اطلاع هم نداشته‌ایم.

خطبه‌ای که از زبان معصوم، به بیان مقام و ویژگی‌ها و مقام‌های معصومین عليهم السلام اشاره دارد و هریک از جملاتش، نیاز به دقت و تأمل دارد.

۱. سوره مائده، آیه ۶۷.

۲. سوره مائده، آیه ۳.

خطبه‌ای که پایان‌بخشش، عهده‌ی است که به دستور پیامبر، توسط مسلمانان خوانده شد و حضرت دستور داد تا تمامی مسلمانان حاضر در آن روز بزرگ، این عهد را سینه‌به‌سینه منتقل کنند تا ماندگار شود. «عهد ماندگار» مروی است بر خطبه‌ی پیامبر در روز عید غدیر و دقت در ترجمه‌ی کلمات گهربار حضرت.

پیش از مطالعه‌ی خطبه و ترجمه‌ی آن، مروی مستند و گذرا بر واقعه‌ی غدیر از ابتدای حرکت پیامبر از مدینه تا پایان یافتن مراسم عید غدیر خواهیم داشت و پس از نقل روایان حدیث غدیر، متن و ترجمه‌ی خطبه غدیر را مطالعه می‌کنیم. لازم به ذکر است که کتاب عهد ماندگار در راستای برگزاری «جشن ولایت علوی، اکمال دین نبوی» چاپ و توزیع شده است. طرحی که یکی از ویژه‌ی برنامه‌های با ارزش سازمان اوقاف و امور خیریه می‌باشد که در ۵ سال گذشته در آستان مقدس امامزادگان و بقاع متبرکه سراسر کشور برگزار و اینک به مطالبه جدی زائران و مجاوران آن اماکن مقدسه، از سازمان اوقاف و امور خیریه تبدیل شده است. ان‌شاءالله خداوند متعال به تمامی ما، توفیق قرار گرفتن در صراط مستقیم می‌دهد که به رضای الهی منتهی می‌شود، عنایت بفرماید.

معاونت فرهنگی و اجتماعی  
سازمان اوقاف و امور خیریه



## آغاز سفر

در سال دهم هجری پیامبر ﷺ برای اولین بار به طور رسمی اعلان عمومی حج دادند تا همه مردم در حد امکان حاضر شوند. آن حضرت این سفر را به عنوان «حجة الوداع» به معنای حج پایانی، نام گذاری کردند.

هدف از این سفر اجرای دستور الهی و بیان دو حکم مهم از قوانین اسلام بود که هنوز برای مردم به طور کامل و رسمی تبیین نشده بود؛ یکی حج، و دیگری مسئله خلافت و ولایت و جانشینی بعد از پیامبر ﷺ.

پس از دستور الهی، پیامبر ﷺ منادیانی را به مدینه و اطراف آن فرستادند و تصمیم این سفر را به اطلاع همه رساندند تا هر کس بخواهد خود را آماده این سفر و همراهی آن حضرت نماید.

پس از اعلان عمومی، عده بسیاری از اطراف مدینه به شهر آمدند تا همراه حضرت و مهاجرین و انصار در سفر مکه ملازم رکاب حضرت باشند.

با حرکت کاروان پیامبر ﷺ در بین راه مدینه تا مکه افراد قبایل به جمعیت اضافه می شدند. با رسیدن این خبر مهم به مناطق دورتر، مردم اطراف مکه و شهرهای یمن و غیر آن نیز به سوی مکه سرازیر شدند تا جزئیات احکام حج را شخصاً از پیامبرشان بیاموزند و در این اولین سفر رسمی حضرت به عنوان حج شرکت داشته باشند.



اضافه برآنکه حضرت اشاراتی فرموده بودند که امسال سال آخر عمر من است، و این می‌توانست باعث شرکت همه جانبه مردم باشد. جمعیتی حدود یک صدویست هزار نفر در مراسم حج شرکت کردند، که فقط هفتاد هزار نفر آنان از مدینه به همراه حضرت حرکت کرده بودند، و جمعیت لبیک‌گویان در جای جای جاده در حرکت بودند<sup>۱</sup>.

### از مدینه تا مکه

کاروان بزرگ پیامبر ﷺ روز شنبه بیست و پنجم ماه ذی القعدة از مدینه حرکت کردند. به دستور آن حضرت مردم لباس احرام همراه برداشته بودند، و خود حضرت نیز غسل کرده و دو لباس احرام همراه برداشتند؛ و برای احرام تا مسجد شجره در نزدیکی مدینه آمدند.

اهل بیت معظم پیامبر ﷺ که فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین عليهم السلام و سایر فرزندان آن حضرت بودند، و نیز همسران آن حضرت همگی سوار بر هودج‌های شتران همراه حضرت بودند و بعد از ده روز طی مسافت، در روز سه‌شنبه پنجم ذی‌الحجة

---

۱. عوالم العلوم: ج ۳: ۱۵۰ ص ۱۶۷ و ۲۹۷. الغدیز: ج ۱ ص ۹ و ۱۰. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۶۰ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۹۰، ج ۲۸ ص ۹۵، ج ۳۷ ص ۲۰۱.

اولین کاروان حج اسلام با جلال و عظمتی بی نظیر وارد شهر «مکه» شدند.<sup>۱</sup>

## حجاج یمن همراه امیرالمؤمنین

در ایامی که سفر حج اعلام شد، امیرالمؤمنین علیه السلام با لشکری از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله به «نَجْران» و سپس «یمن» رفته بودند. هدف از این سفر دعوت به اسلام و جمع‌آوری خمس و زکات و جزیه بود و نیز حل اختلافی که بین اهل یمن پیش آمده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام حرکت از مدینه برای امیرالمؤمنین علیه السلام نامه‌ای فرستادند، و طی آن دستور دادند آن حضرت نیز با لشکر و کسانی از اهل یمن که مایل به شرکت در مراسم حج هستند از آنجا به سوی مکه حرکت کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام پس از پایان کارهای محوله در نجران و یمن، با لشکر همراه و دوازده هزار نفر از اهل یمن عازم مکه شدند. با نزدیک شدن کاروان پیامبر صلی الله علیه و آله به مکه از طرف مدینه، امیرالمؤمنین علیه السلام هم از طرف یمن به این شهر نزدیک شدند و دستور دادند مردم در میقات اهل یمن احرام ببندند. سپس حضرت جانشینی در لشکر تعیین کردند و خود پیش‌تر به ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله شتافتند، و در نزدیکی مکه خدمت حضرت رسیدند و گزارش سفر را

---

۱. الغدیر: ج ۱ ص ۹ و ۱۰. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۶۰ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۹۰، ج ۲۸ ص ۹۵، ج ۳۷ ص ۲۰۱. عوالم العلوم: ج ۳ ص ۱۵۳ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۲۹۷.

دادند. پیامبر ﷺ بسیار مسرور شدند و دستور دادند هر چه زودتر لشکر همراه و حجاج یمنی را به مکه بیاورد. امیرالمؤمنین علیه السلام به محل لشکر بازگشتند و همراه آنان هم‌زمان با قافله پیامبر ﷺ روز سه‌شنبه پنجم ذی‌حجه وارد مکه شدند و همراه حضرت، حج را به جای آوردند.<sup>۱</sup>

### خطبه‌های زمینه‌ساز

پیامبر ﷺ قبل از غدیر، در دو موقعیت حساس برای مردم خطابه ایراد کردند که در واقع زمینه‌سازی برای خطبه غدیر بود.

اولین خطابه آن حضرت در «منی» بود. در این خطبه ابتدا اشاره به امنیت اجتماعی مسلمین از نظر جان و مال و آبروی مردم نمودند، و سپس خون‌های به‌ناحق ریخته و اموال به‌ناحق گرفته در جاهلیت را رسماً مورد عفو قرار دادند تا کینه‌توزی‌ها از میان برداشته شود و جو اجتماع برای تأمین امنیت کامل آماده شود. سپس مردم را بر حذر داشتند از اینکه بعد از او اختلاف کنند و بر روی یکدیگر شمشیر بکشند؛ و تصریح فرمودند که: «اگر من نباشم علی بن ابی‌طالب در مقابل متخلفین خواهد ایستاد».

سپس حدیث ثقلین بر لسان مبارک حضرت جاری شد و فرمودند: «من دو چیز گران بها

---

۱. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۶۰، ج ۳۷ ص ۲۰۱. عوالم العلوم: ج ۳ ص ۱۵۰:۲۹۷.

در میان شما باقی می‌گذارم که اگر به این دو تمسک کنید هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیت<sup>۱</sup>». و در ضمن اشاره‌ای نیز داشتند به اینکه عده‌ای از همین اصحاب من روز قیامت به جهنم برده می‌شوند.

نکته جالب توجه اینکه در این خطابه، امیرالمؤمنین علیه السلام سخنان حضرت را برای مردم تکرار می‌کردند تا آنان که دورتر بودند بشنوند<sup>۱</sup>.

دومین مورد خطابه حضرت در مسجد «خیف» در منی بود. در روز سوم از توقف در منی، حضرت فرمان دادند تا مردم در مسجد خیف اجتماع کنند. در آنجا نیز خطابه‌ای ایراد فرمودند که ضمن آن صریحاً از مردم خواستند گفته‌های او را به خاطر بسپارند و به غائبان برسانند.

در این خطبه به اخلاص عمل و دلسوزی برای امام مسلمین و تفرقه نینداختن سفارش فرمودند و تساوی همه مسلمانان در برابر حقوق و قوانین الهی را اعلام کردند. بعد از آن متعرض مسئله خلافت شدند و حدیث ثقلین برای بار دیگر، برلسان حضرت جاری شد، و بار دیگر زمینه را برای غدیرآماده کردند<sup>۲</sup>.

---

۱. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۱۳، ج ۲۱ ص ۳۸۰.

۲. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۱۴.

## تحويل ميراث انبياء به صاحب ولايت

پس از پایان مراسم حج دستور الهی بر پیامبر ﷺ چنین نازل شد: «نبوت توبه پایان رسیده و روزگارت کامل شده است. اسم اعظم و آثار علم و میراث انبیاء را به علی بن ابی طالب بسپار که او اولین مؤمن است. من زمین را بدون عالمی که اطاعت من و ولایتم با او شناخته شود و حجت بعد از پیامبرم باشد رها نخواهم کرد.»

یادگارهای انبیاء ﷺ صُحُف آدم و نوح و ابراهیم ﷺ و تورات و انجیل و عصای موسی ﷺ و انگشتر سلیمان ﷺ و سایر میراث‌های ارحمندی است که فقط در دست حجج الهی است، و نزد انبیای گذشته و اوصیای ایشان دست به دست گشته تا آن روز که خاتم انبیاء ﷺ حافظ آن بود، و اینک باید به اوصیای آن حضرت انتقال می‌یافت.

پیامبر ﷺ، امیرالمؤمنین ﷺ را فراخواند و مجلس خصوصی تشکیل دادند و ودایع الهی را به آن حضرت تحويل داد، و بدین سان میراث شش هزارساله انبیاء ﷺ به امیرالمؤمنین ﷺ سپرده شد. این ودایع از امیرالمؤمنین ﷺ به امامان بعد منتقل شده تاکنون که در دست مبارک آخرین حجت پروردگار حضرت بقیه الله الاعظم ﷺ است.<sup>۱</sup>

۱. بحارالانوار: ج ۲۸ ص ۹۶، ج ۳۷ ص ۲۰۲، ج ۴۰ ص ۲۱۶.

## سلام به عنوان «امیرالمؤمنین»

پیش از حرکت به سوی غدیر، در مکه جبرئیل لقب «امیرالمؤمنین» را به عنوان اختصاص آن به علی بن ابی طالب علیه السلام از جانب الهی آورد، اگرچه این لقب قبلاً نیز برای آن حضرت تعیین شده بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند تا بزرگان اصحاب جمع شوند و طی مراسم خاصی نزد علی علیه السلام بروند و به عنوان «امیرالمؤمنین» بر او سلام کنند و «السلام علیک یا امیرالمؤمنین» بگویند، و بدین وسیله در زمان حیات خود، از آنان اقرار بر امیربودن علی علیه السلام گرفت. در آن لحظه بعضی از اصحاب به عنوان اعتراض به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: آیا این حقی از طرف خدا و رسولش است؟ حضرت غضبناک شد و فرمود: «حقی از طرف خدا و رسولش است. خداوند این دستور را به من داده است»<sup>۱</sup>.

## اعلان عمومی حضور در غدیر

با اینکه انتظار می‌رفت پیامبر صلی الله علیه و آله در این اولین و آخرین سفر حج خود مدتی در مکه بمانند، ولی بلافاصله پس از اتمام حج حضرت به منادی خود بلال دستور دادند تا

۱. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۱۲۰. عوالم: ج ۳: ۱۵ ص ۳۹. کتاب سلیم: ص ۷۳۰.

به مردم اعلان کند: فردا - روز چهاردهم ذی الحجة - همه باید حرکت کنند تا در وقت معین در «غدیر خم» حاضر باشند و کسی جز معلولان نباید باقی بماند. انتخاب منطقه «غدیر» به امر خاص الهی از چند جهت قابل ملاحظه بود: یکی اینکه در راه بازگشت از مکه، کمی قبل محل افتراق کاروان‌ها و تقاطع مسیرها در جحفه است.

دوم اینکه در آینده‌های اسلام که کاروان‌های حج در راه رفت و برگشت از این مسیر عبور می‌کنند با رسیدن به وادی غدیر و نماز در مسجد پیامبر ﷺ، تجدید خاطره و بیعتی با این زیربنای اعتقادی خود می‌نمایند و یاد آن در دل‌ها احیا می‌گردد. سوم اینکه «غدیر» محلی بسیار مناسب برای برنامه سه‌روزه پیامبر ﷺ و ایراد خطبه برای آن جمعیت انبوه بود.

اینک پیامبر ﷺ پس از دوری ده‌ساله از وطن خود مکه - بدون آنکه مدتی اقامت کنند تا مسلمانان به دیدارش بیایند و مسائل خود را مطرح کنند - با پایان مراسم حج فوراً از مکه خارج شدند و مردم را نیز به خروج از مکه و حضور در «غدیر» امر نمودند.<sup>۱</sup>

---

۱. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۵، ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۱۵۸. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۳۶ ح ۵۹۳. الغدیر: ج ۱ ص ۱۰ و ۲۶۸.

## موقعیت جغرافیایی غدیر خم

منطقه غدیر خم بیابانی باز و وسیع در مسیر سیلاب وادی جحفه بود. این سیلاب از مشرق به مغرب جاری می‌شد و پس از عبور از غدیر به جحفه می‌رسید و سپس تا دریای سرخ ادامه پیدا می‌کرد و سیل‌های سالیانه را به دریا می‌ریخت. در این مسیر آبگیرهایی طبیعی به وجود آمده بود که پس از عبور سیل، آب‌های باقیمانده در آن جمع می‌شدند و در طول سال به عنوان ذخایر آبی شناخته می‌شدند و به آن‌ها اصطلاحاً «غدیر» می‌گفتند.

در مناطق مختلف، غدیرهای زیادی در مسیر سیل‌ها وجود داشت که با نام‌گذاری از یکدیگر شناخته می‌شدند. این غدیر هم برای شناخته شدن از غدیرهای دیگر بنام «غدیر خم» نام‌گذاری شده بود. کنار این آبگیر پنج درخت سرسبز و کهن سال از نوع «سَمُر» شبیه درخت چنار وجود داشت، که درخت خاص صحراها است. این پنج درخت با شاخ و برگ انبوه و قامت بلند، سایبانی خوب برای مسافران خسته ایجاد کرده بود، لذا در آن شرایط این بیابان وسیع به عنوان بهترین مکان برای مراسم سه‌روزه غدیر انتخاب شد و جایگاه سخنرانی زیر همان درختان در نظر گرفته شد؛ که هم مشرف بر بیابان و محل تجمع بود و هم سایبان مناسبی برای ایراد خطابه<sup>۱</sup>.

۱. معجم البلدان: ج ۲ ص ۳۵۰ و ۳۸۹، ج ۳ ص ۱۵۹، ج ۴ ص ۱۸۸، ج ۶ ماده غدیر. النهایة: ماده خم.



## ورود به منطقه غدیر

روز پنجشنبه قافله عظیم غدیر به حرکت درآمد، و سیل جمعیت که بیش از صد و بیست هزار نفر بودند به همراه حضرت سفر پنج روزه تا غدیر را آغاز کردند. حتی پنج هزار نفر از اهل مکه و دوازده هزار نفر از اهل یمن - در جهت مخالف مسیر دیار خود- برای درک مراسم غدیر همراه حضرت آمدند.

طبق فرمان پیامبر ﷺ کسی از حاجیان در مکه باقی نماند و همه به قصد حضور در بزرگ‌ترین همایش تاریخی اسلام عازم میعادگاه غدیر شدند. کاروان از همان مسیری که از مدینه تا مکه آمده بودند بازمی‌گشتند.

نزدیک ظهر روز دوشنبه هیجدهم ذی حجه، همین‌که به منطقه «غدیر خم» رسیدند، حضرت مسیر حرکت خود را به طرف راست جاده و به سمت غدیر تغییر دادند و فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ، أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ، أَنَا رَسُولُ اللَّهِ؛ ای مردم، دعوت‌کننده خدا را اجابت کنید که من پیام‌آور خدایم».

این کنایه از آن بود که هنگام ابلاغ پیام مهمی فرا رسیده است؛ لذا فرمان دادند تا منادی ندا کند: «همه مردم متوقف شوند، و آنان که پیش رفته‌اند بازگردند، و آنان که پشت سر هستند توقف کنند»، تا آهسته‌آهسته همه جمعیت در محل از پیش تعیین شده جمع گردند.

همچنین دستور دادند: کسی زیر درختان کهن سالی که در آنجا بود نرود و آن مکان برای برپایی جایگاه سخنرانی خالی بماند.

پس از این دستور، همهٔ مرکب‌ها متوقف شدند، و کسانی که پیش‌تر رفته بودند بازگشتند، و همهٔ مردم در منطقهٔ غدیر پیاده شدند، و هریک برای خود جایی پیدا کردند و برای توقف سه‌روزه خیمه زدند، و کم‌کم آرام گرفتند.

اینک صحرا برای اولین بار شاهد تجمع عظیم بشری بود. وجود مقدس پنج نور پاک، پیامبر و امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام عظمت این اجتماع بزرگ را چندین برابر می‌کرد.

ترکیب مختلفی مردان و زنان، از اقوام و قبایل و شهرهای مختلف، با درجات متفاوتی از ایمان در برابر منبر پیامبرشان زانو زده بودند، که این نیز نقطهٔ جالب توجه دیگری از این همایش باشکوه بود.

شدت گرما در اثر حرارت آفتاب و داغی زمین به حدی ناراحت‌کننده بود که مردم و حتی خود حضرت گوشه‌ای از لباس خود را به سر انداخته و گوشه‌ای از آن را زیر پای خود قرار داده بودند، و عده‌ای از شدت گرما عبای خود را به پایشان پیچیده بودند!'

---

۱. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۳۷ ص ۱۷۳ و ۲۰۳ و ۲۰۴، ج ۹۸ ص ۲۹۸. عوالم: ج ۱۵:۳ ص ۵۰ و ۶۰ و ۷۵ و ۷۹ و ۸۰ و ۳۰۱. الغدیر: ج ۱ ص ۱۰ و ۲۲. الفصول المهمة: ص ۲۴ و ۲۵.

## آماده‌سازی جایگاه سخنرانی و منبر

پیامبر ﷺ چهار نفر از اصحاب خاص خود یعنی مقداد و سلمان و ابوذر و عمار را فراخواندند و به آنان دستور دادند تا به محل درختان کهن سال - که در یک ردیف کنار هم بودند - بروند و آنجا را آماده کنند.

آن‌ها خارهای زیر درختان را کنند و سنگ‌های ناهموار را جمع کردند و آنجا را جارو زدند و آب پاشیدند. سپس شاخه‌های پایین آمده درختان را که تا نزدیکی زمین آمده بود قطع کردند.

بعد از آن در فاصله بین دو درخت، روی شاخه‌ها پارچه‌ای انداختند تا سایبانی از آفتاب باشد، و آن محل برای برنامه سه‌روزه‌ای که حضرت در نظر داشتند کاملاً مساعد شود.

سپس در زیر سایبان، سنگ‌ها را روی هم چیدند و از رواندازهای شتران و سایر مرکب‌ها هم کمک گرفتند، و منبری به بلندی قامت حضرت ساختند و روی آن پارچه‌ای انداختند. منبر را طوری برپا کردند که نسبت به جمعیت در وسط قرار بگیرد و پیامبر ﷺ هنگام سخنرانی مشرف بر مردم باشد تا صدای حضرت به همه برسد و همه او را ببینند.

با توجه به کثرت جمعیت، ربیعه را که صدای بلندی داشت انتخاب کردند تا کلام

حضرت را برای افرادی که دورتر قرار داشتند تکرار کند تا مطالب را بهتر بشنوند. بر اساس نظر برخی بزرگان، غیر از ربیعہ، افراد دیگری نیز انتخاب شدند تا وظیفہ رساندن صدای پیامبر را به این اجتماع بزرگ، انجام دهند. اینکه در هیچ کدام از نقل‌های تاریخی، نکته‌ای پیرامون شنیده نشدن صدای پیامبر، نیامده، نشانی است از این مطلب که این وظیفہ، به درستی توسط اصحاب رسول خدا انجام شده است<sup>۱</sup>.

### پیامبر و امیر المؤمنین بر فراز منبر

مقارن ظهر، انتظار مردم به پایان رسید و منادی حضرت ندای نماز جماعت داد. مردم از خیمه‌ها بیرون آمدند و مقابل منبر جمع شدند و صف‌های نماز را منظم کردند. پیامبر ﷺ نیز از خیمه خود بیرون آمدند و در جایگاه نماز قرار گرفتند، و نماز جماعت را اقامه فرمودند.

بعد از آن مردم ناظر بودند که پیامبر ﷺ از منبر غدیر بالا رفتند، و بر فراز آن ایستادند. سپس امیر المؤمنین علیه السلام را فراخواندند، تا بر فراز منبر در سمت راستش بایستد. قبل از شروع خطبه، امیر المؤمنین علیه السلام بر فراز منبر یک پله پایین‌تر در طرف راست حضرت

---

۱. بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۳۷ ص ۱۷۳ و ۲۰۳ و ۲۰۴، ج ۹۸ ص ۲۹۸. عوالم: ج ۱۵:۳ ص ۵۰ و ۶۰ و ۷۵ و ۷۹ و ۸۰ و ۳۰۱.

ایستادند و دست پیامبر ﷺ بر شانه آن حضرت بود. سپس آن حضرت نگاهی به راست و چپ جمعیت نمودند و منتظر شدند تا مردم کاملاً جمع شوند. زنان نیز در قسمتی از مجلس نشستند که پیامبر ﷺ را به خوبی می‌دیدند. پس از آماده شدن مردم، پیامبر اکرم ﷺ سخنرانی تاریخی و آخرین خطابه رسمی خود را برای جهانیان آغاز کردند<sup>۱</sup>.

### اقدامات عملی پیامبر حین خطبه

در اثنای خطبه، پیامبر ﷺ دو اقدام عملی انجام دادند که بسیار جلب توجه نمود:  
اول: بلند کردن و معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام  
پیامبر ﷺ پس از مقدمه چینی و ذکر مقام امامت و خلافت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، برای آنکه تا آخر روزگار راه هرگونه شک و شبهه بسته باشد، پس از معرفی صاحب ولایت به صورت لسانی، آن حضرت را عملاً معرفی کردند. بدین ترتیب که ابتدا فرمودند:  
باطن قرآن و تفسیر آن را برای شما بیان نمی‌کند مگر این کسی که دست او را می‌گیرم

---

۱. بحار الأنوار، ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۳۷ ص ۲۰۹. عوالم: ج ۳: ۱۵ ص ۴۴ و ۹۷ و ۳۰۱. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۲۶۷ ح ۳۸۷ و ۳۹۱. احقاق الحق: ج ۲۱ ص ۵۳ و ۵۷.

و او را بلند می‌کنم و بازویش را گرفته و او را بالا می‌برم.  
پس از آن، حضرت گفته خود را عملی کردند و بازوان امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفتند. در این هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام دستان خود را به سمت صورت حضرت باز کردند به طوری که دستانشان به سوی آسمان بلند شد.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را از جا بلند کردند تا حدی که پاهای آن حضرت محاذی زانوهای پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت. در این حال از مردم پرسیدند: چه کسی صاحب اختیار شماست؟ گفتند: خدا و رسولش؟ در اینجا فرمودند:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً، أَلَلَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادَاهُ وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ؛ هر کس که من مولی و صاحب اختیار اویم این علی مولی و صاحب اختیار اوست. خدایا دوست بدار هر کس او را دوست بدارد، و دشمن بدار هر کس او را دشمن بدارد، و یاری کن هر کس او را یاری کند، و خوار کن هر کس او را خوار کند»<sup>۱</sup>.

دوم: بیعت با قلب‌ها و زبان‌ها  
از آنجاکه بیعت گرفتن از فرد فرد آن جمعیت انبوه مشکل بود، و از طرفی امکان داشت افرادی به بهانه‌های مختلف از بیعت شانه خالی کنند و حضور نیابند، لذا حضرت در اواخر سخنرانی فرمودند:

---

۱. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۲۰۹. عوالم: ج ۳: ۱۵ ص ۴۷. کتاب سلیم: ص ۸۸۸ ح ۵۵.

«ای مردم، چون جمعیت شما بیش از آن است که با دست من در زمان واحد بیعت کنید، پس همگی قبلاً این سخنی را که من می‌گویم به قصد بیعت تکرار کنید و بگویید: ما فرمان تو از جانب خداوند را - که درباره علی بن ابی طالب و امامان از فرزندانش به ما رساندی - اطاعت می‌کنیم و به آن راضی هستیم، و با قلب و جان و زبان و دستمان با تو بر این ادعا بیعت می‌کنیم... عهد و پیمان در این باره برای آنان از ما - از قلب‌ها و جان‌ها و زبان‌ها و ضمایرو دستانمان - گرفته شد. هر کس توانست با دستش، و گرنه با زبانش بدان اقرار می‌نماید»<sup>۱</sup>.

### تبریک و تهنیت غدیر و ولایت

پس از اتمام خطبه، صدای مردم بلند شد که: «آری، شنیدیم و طبق فرمان خدا و رسول با قلب و جان و زبان و دستمان اطاعت می‌کنیم».

بعد به سوی امیرالمؤمنین و پیامبر ﷺ ازدحام کردند و برای بیعت سبقت می‌گرفتند و با ایشان دست بیعت می‌دادند. این ابراز احساسات و فریادهای شعفی که از جمعیت برمی‌خاست، شکوه و ابهت بی‌مانندی به آن اجتماع بزرگ می‌بخشید.

در این حال پیامبر ﷺ می‌فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ؛ سپاس

۱. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۲۱۹.

خدایی را که ما را بر جمیع عالمین فضیلت داد». نکته قابل توجهی که در هیچ یک از پیروزی‌های پیامبر ﷺ - چه در جنگ‌ها و چه سایر مناسبت‌ها و حتی فتح مکه - سابقه نداشته، این است که حضرت در روز غدیر فرمودند: «به من تبریک بگوئید! به من تهنیت بگوئید! زیرا خداوند مرا به نبوت و اهل‌بیتم را به امامت اختصاص داده است»؛ و این نشانه فتح بزرگ و در هم شکستن کامل سنگرهای کفر و نفاق بود. از سوی دیگر پیامبر ﷺ به منادی خود دستور دادند تا بین مردم گردش کند و این خلاصه غدیر را تکرار کند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ، اَللّٰهُمَّ وَاِلَیْكَ رَاٰی وَاِلَیْكَ رَاٰی» تا در غدیر به عنوان تابلوی ابدی ولایت بردل‌ها نقش بندد<sup>۱</sup>.

## بیعت مردان

پیامبر ﷺ ضمن سخنرانی وعده داده بودند که پس از پایان سخنرانی از شما بیعت خواهم گرفت، آنجا که فرمودند:  
 بدانید که من بعد از پایان خطابه‌ام شما را به دست دادن با من به عنوان بیعت با او و اقرار به او، و بعد از من به دست دادن با خود او فرامی‌خوانم. بدانید که من با خدا

۱. بحارالانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷. امالی شیخ مفید: ص ۵۷.



بیعت کرده‌ام و علی با من بیعت کرده است، و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می‌گیرم.

بیعت غدیر به معنای التزام و پیمان وفاداری به ولایت دوازده امام معصوم علیهم‌السلام بود، و محتوای آن ضمن سخنرانی حضرت تعیین شده بود، و مردم به صورت لسانی به آن اقرار کرده بودند.

برای آنکه رسمیت مسئله محکم‌تر شود، و آن جمعیت انبوه بتوانند مراسم بیعت را به طور منظم و برنامه‌ریزی شده‌ای انجام دهند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از پایان سخنرانی دستور دادند تا دو خیمه برپا شود. یکی از خیمه‌ها را مخصوص خود قرار دادند و در آن جلوس فرمودند، و به امیرالمؤمنین علیه‌السلام دستور دادند تا در خیمه دیگر جلوس نماید، و امر کردند تا مردم جمع شوند.

پس از آن مردم دسته‌دسته در خیمه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حضور می‌یافتند و با آن حضرت دست بیعت می‌دادند و تبریک و تهنیت می‌گفتند. سپس در خیمه مخصوص امیرالمؤمنین علیه‌السلام حاضر می‌شدند و به عنوان امام و خلیفه بعد از پیامبرشان با آن حضرت دست بیعت می‌دادند و پیمان وفاداری می‌بستند، و به عنوان «امیرالمؤمنین» بر او سلام می‌کردند، و این مقام والا را تبریک می‌گفتند.

برنامه بیعت تا سه روز ادامه داشت، و این مدت را حضرت در غدیر اقامت داشتند، و

برنامه چنان حساب شده بود که همه مردم در آن شرکت کردند. بر اساس نقل‌های تاریخی، اولین افرادی که دست بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام دادند، ابوبکر و عمر بودند و بعد از بیعت این کلمات را بر زبان جاری کردند: «افتخار برایت باد، گوارایت باد ای پسرابی طالب، خوشا به حالت ای ابالحسن، اکنون مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شده‌ای!»<sup>۱</sup>

## بیعت زنان

پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند تا زنان هم با آن حضرت بیعت کنند و به عنوان «امیرالمؤمنین» سلام کنند و به حضرتش تبریک و تهنیت بگویند، و این دستور را درباره همسران خویش مؤکد داشتند.

برای این منظور - چون اکثر زنان نامحرم بودند- به دستور حضرت ظرف آبی آوردند و پرده‌ای بر روی آن زدند به طوری که زنان در آن سوی پرده دست خود را در آب قرار می‌دادند و امیرالمؤمنین علیه السلام در سوی دیگر دست خود را در آب می‌گذاشت و بدین صورت بیعت زنان هم با آن حضرت انجام گرفت.

---

۱. بحارالأنوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ج ۲۸ ص ۹۰، ج ۳۷ ص ۱۶۶ و ۱۲۷. الغدیز: ج ۱ ص ۵۸ و ۲۷۱ و ۲۷۴. عوالم: ج ۳ ص ۴۲ و ۶۰ و ۶۵ و ۱۳۴ و ۱۳۶ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۲۰۳ و ۲۰۵.

یادآور می‌شود که بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از حاضرین در غدیر بودند. همچنین کلیه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و ام‌هانی خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه دختر حضرت حمزه و اسماء بنت عمیس در آن مراسم حضور داشتند<sup>۱</sup>.

### عمامة «سحاب»

عرب‌ها هرگاه می‌خواستند ریاست شخص بزرگی را بر قومی اعلام کنند، یکی از مراسماتشان، بستن عمامه بر سر او بود. اهمیت این برنامه آنگاه بیشتر می‌شد که شخص بزرگی عمامه خود را بر سر کسی ببندد؛ و این به معنای اعتماد بر او بود. پیامبر صلی الله علیه و آله در مراسم غدیر عمامه خود را که «سحاب» نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر امیرالمؤمنین علیه السلام بستند و انتهای عمامه را بر دوش آن حضرت قرار دادند و فرمودند: «عمامه تاج عرب است». امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره چنین می‌فرماید: پیامبر در روز غدیر خم عمامه‌ای بر سرم بستند و یک طرف آن را بر دوشم آویختند و فرمودند: «خداوند در روز بدر و حنین، مرا با ملائکه‌ای که چنین عمامه‌ای به سر داشتند یاری نمود»<sup>۲</sup>.

۱. بحارالانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۸. عوالم ج ۳: ۱۵ ص ۳۰۹.

۲. الغدیر: ج ۱ ص ۲۹۱. عوالم: ج ۳: ۱۵ ص ۱۹۹. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۲۱۹ ح ۱۰۲.

## شعر غدیر

بخش دیگری از مراسم پرشور غدیر، درخواست حسان بن ثابت، از شعرای خوش ذوق مسلمان بود. او به پیامبر ﷺ عرض کرد: یا رسول الله، اجازه می‌فرمایید شعری را که هم‌اکنون درباره‌ی علی بن ابی‌طالب - به مناسبت این واقعه‌ی عظیم - سروده‌ام بخوانم؟ حضرت فرمودند: بخوان به نام خداوند و برکت او.

حسان بر جای بلندی قرار گرفت و مردم برای شنیدن کلامش ازدحام کردند و گردن می‌کشیدند. او گفت: ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضای پیامبر گوش کنید. سپس اشعاری را که در همان جا سروده بود خواند که به‌عنوان یک سند تاریخی از غدیر ثبت شد و به یادگار ماند. ترجمه شعر زیبای حسان را باهم می‌خوانیم:

آیا نمی‌دانید که محمد پیامبر خدا ﷺ کنار درختان غدیر خم به حالت ندا ایستاد، و این در حالی بود که جبرئیل از طرف خداوند پیام آورده بود که در این امر سستی مکن که تو محفوظ خواهی بود، و آنچه از طرف خداوند بر تو نازل شده به مردم برسان، و اگر نرسانی و از ظالمان بترسی و از دشمنان حذر کنی رسالت پروردگارتان را نرسانده‌ای. در اینجا بود که پیامبر ﷺ دست علی ﷺ را بلند کرد و با صدای بلند فرمود: «هر کس از شما که من مولای او هستم و سخن مرا به یاد می‌سپارد و فراموش نمی‌کند، مولای او بعد از من علی است، و من فقط به او - نه به دیگری - به‌عنوان جانشین خود

برای شما راضی هستم. پروردگارا هر کس علی را دوست بدارد او را دوست بدار، و هر کس با علی دشمنی کند او را دشمن بدار. پروردگارا، یاری کنندگان او را یاری فرما به خاطر نصرتشان امام هدایت کننده‌ای را که در تاریکی‌ها مانند ماه شب چهارده روشنی می‌بخشد. پروردگارا، خوارکنندگان او را خوار کن و روز قیامت که برای حساب می‌ایستند خود جزا بده».

پس از اشعار حسان، پیامبر ﷺ فرمود: ای حسان، مادامی که با زبانت از ما دفاع می‌کنی، از سوی روح القدس مؤید خواهی بود<sup>۱</sup>.

## حضور جبرئیل در غدیر

ظهور ملائکه به صورت آدمی در موارد خاصی اتفاق افتاده که پیام خاصی برای هدایت مردم همراه داشته است. در غدیر نیز این اتفاق پس از سخنرانی پیامبر ﷺ پیش آمد و بار دیگر حجت را بر همگان تمام کرد.

پیرامون حضور جبرئیل در روز عید غدیر این نقل در تاریخ آمده است که در آن روز مردی زیبا صورت و خوشبوی کنار مردم ایستاده بود و می‌گفت: به خدا قسم، روزی

---

۱. کتاب سلیم بن قیس: ص ۸۲۸؛ بحار الأنوار ج ۲۱ ص ۳۸۸، ج ۳۷ ص ۱۱۲ و ۱۶۶ و ۱۹۵؛ عوالم: ج ۱۵: ص ۴۱ و ۹۸ و ۱۴۴ و ۲۰۱؛ کفایة الطالب: ص ۶۴.

مانند امروز هرگز ندیدم. چقدر کار پسرعمویش را مؤکد نمود، و برای او پیمانی بست که جز کافره خدا و رسولش آن را برهم نمی‌زند. وای بر کسی که پیمان او را بشکند. یکی از صحابی رسول خدا، نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: شنیدی این مرد چه گفت؟! حضرت فرمود: آیا او را شناختی؟ گفت: نه. حضرت فرمود: او روح الأمين جبرئیل بود. تو مواظب باش این پیمان را نشکنی، که اگر چنین کنی خدا و رسول و ملائکه و مؤمنان از تو بیزار خواهند بود!<sup>۱</sup>

### معجزه الهی در غدیر

در آخرین ساعات از روز سوم «حارث فهری» با دوازده نفر از اصحابش نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای محمد! سه سؤال از تو دارم: یک. آیا شهادت به یگانگی خداوند و پیامبری خود را از جانب پروردگارت آورده‌ای یا از پیش خود گفتی؟ دو. آیا نماز و زکات و حج و جهاد را از جانب پروردگار آورده‌ای یا از پیش خود گفتی؟ سه. آیا اینکه درباره‌ی علی بن ابی طالب گفتی: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ...»، از جانب پروردگار بود یا از پیش خود گفتی؟

۱. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۲۰ و ۱۶۱. عوالم: ج ۳: ۱۵ ص ۸۵ و ۱۳۶.

حضرت در جواب هر سه سؤال فرمودند: «خداوند به من وحی کرده است، و واسطهٔ بین من و خدا جبرئیل است، و من اعلان کنندهٔ پیام خدا هستم، و بدون اجازهٔ پروردگارم خبری را اعلان نمی‌کنم».

حارث گفت: «خدایا، اگر آنچه محمد می‌گوید حق و از جانب توست، سنگی از آسمان بر ما بیاری یا عذابی دردناک بر ما بفرست».

همین‌که سخن حارث تمام شد و به راه افتاد، خداوند سنگی از آسمان بر او فرستاد که از مغزش وارد شد و همان جا او را هلاک کرد و ماجرای اصحاب فیل جلوی دیدگان ۱۲۰۰۰ جمعیت حاضر در غدیر تکرار شد.

بعد از این جریان، آیات ابتدایی سوره معارج نازل شد.

«سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ؛ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ؛ مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ؛

تقاضاکننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد! این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را دفع کند، از سوی خداوند ذی المعارج [خداوندی

که فرشتگانش بر آسمان‌ها صعود و عروج می‌کنند]!»<sup>۱</sup>.

آنگاه پیامبر ﷺ رو به مردم کردند و فرمودند: آیا دیدید؟ گفتند: آری.

---

۱. سورهٔ معارج: آیات ۱ تا ۳.

فرمودند: شنیدید؟

گفتند: آری.

حضرت پس از این اقرار مردم فرمودند: خوشا به حال کسی که ولایت او را بپذیرد، و وی بر کسی که با او دشمنی کند. علی و شیعیانش را می بینم که در روز قیامت سوار بر شتران با چهره‌هایی جوان، در باغ‌های بهشت گردانده می شوند در حالی که تاج بر سر دارند و ترسی بر آنان نیست و محزون نمی شوند و با رضایتی عظیم از سوی خدا مؤید هستند، و این است رستگاری بزرگ!!

تا آنکه در حظيرة القدس از جوار رب العالمین ساکن شوند، که در آن برایشان هر چه بخواهند و آنچه چشم‌ها لذت ببرند آماده است و در آن دائمی خواهند بود، و ملائکه به آنان می‌گویند:

«سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ، فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»<sup>۱</sup>.

با این معجزه، بر همگان مسلّم شد که «غدیر» از منبع وحی سرچشمه گرفته و یک فرمان الهی است.<sup>۲</sup>

---

۱. سوره رعد: آیه ۲۴.

۲. بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۱۳۶ و ۱۶۲ و ۱۶۷. عوالم: ج ۳: ۱۵: ۵۶ و ۵۷ و ۱۲۹ و ۱۴۴. الغدیز: ج ۱ ص ۱۹۳.



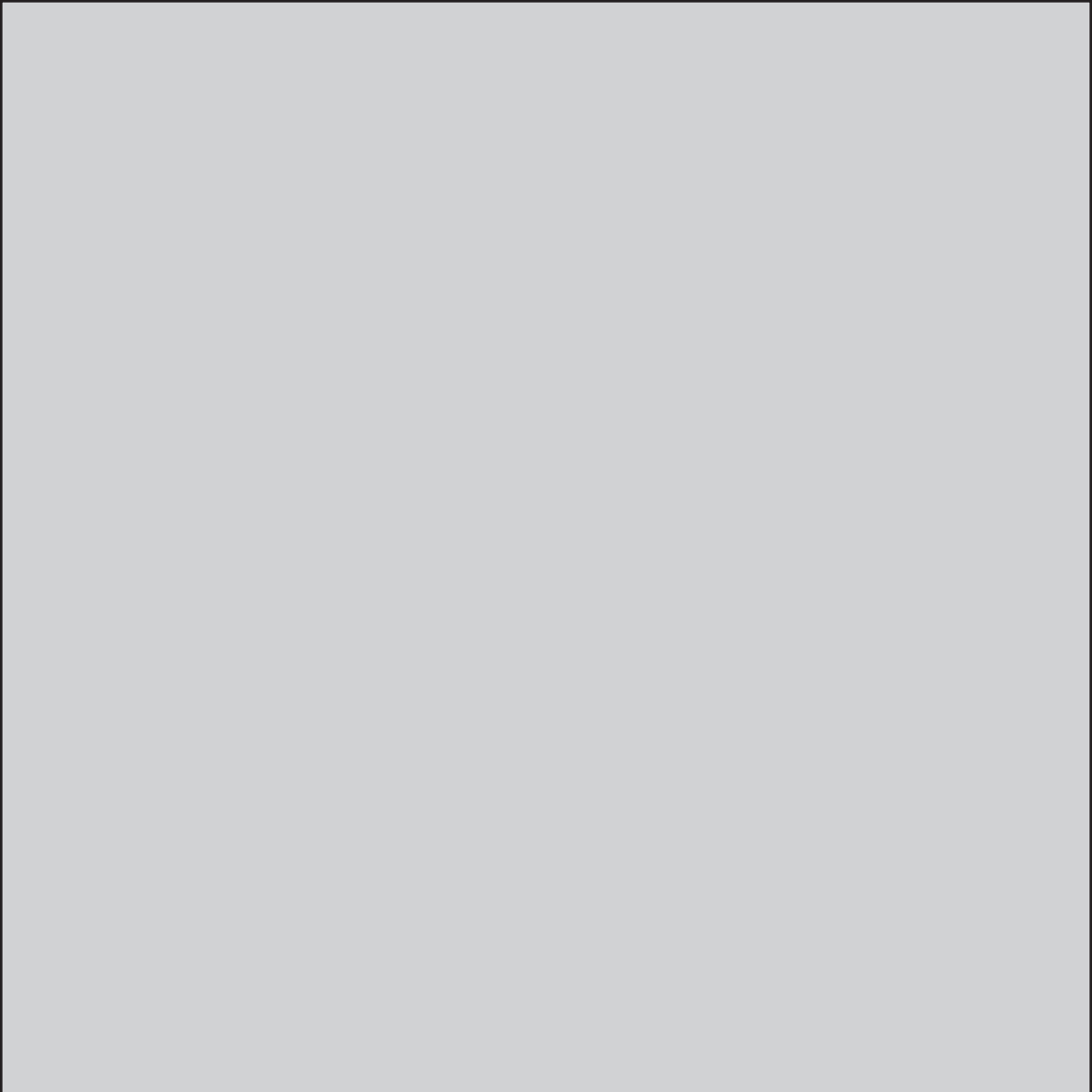
## پایان مراسم غدیر

بدین ترتیب پس از سه روز، مراسم غدیرپایان پذیرفت و آن روزها به عنوان «ایام الولاية» در ذهن‌ها نقش بست. گروه‌ها و قبائل عرب، با دنیایی از معارف اسلام، پس از وداع با پیامبرشان و معرفت کامل به جانشین او، راهی شهر و دیار خود شدند. پیامبر ﷺ نیز عازم مدینه گردیدند درحالی‌که کاروان نبوت را به سرمنزل مقصود رسانده بودند. خیر «واقعه غدیر» در شهرها منتشر شد و به سرعت شایع گردید و به گوش همگان رسید، و بدون شک توسط مسافران و ساریانان و بازرگانان تا اقصی نقاط عالم آن روز یعنی ایران و روم و چین پخش شد و غیرمسلمانان هم از آن با اطلاع شدند.<sup>۱</sup>

بدین گونه بود که خداوند حجّتش را بر مردم تمام کرد؛ چنانکه امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرماید:

«مَا عَلِمْتُ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ تَرَكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ لِأَحَدٍ حُجَّةً وَلَا لِقَائِلٍ مَقَالاً؛  
پیامبر ﷺ در روز غدیر برای احدی عذری و برای کسی سخنی باقی نگذاشت»<sup>۲</sup>.

- 
۱. بحارالأنوار: ج ۳۷ ص ۱۳۶، ج ۳۹ ص ۳۲۶، ج ۴۱ ص ۲۲۸. عوالم: ج ۱۵:۳ ص ۶۸. كشف المهمم: ص ۱۰۹. بصائر الدرجات: ص ۲۰۱.
  ۲. بحارالأنوار: ج ۲۸ ص ۱۸۶. اثبات الهداة: ج ۲ ص ۱۱۵.



بانه وآنطوراى كه فتنه‌هاى ولايتش را  
 فتنابيه، فواله لى تبي لضم دواجره ولى  
 يوح لضم تفسيره الا اذى انا اخط يده  
 ومضينه اى ومانا بشده (و ماهه يده) و  
 فتلضم: ان من ضفت مولا فمما على  
 مولا، و هو على ناي طالب اعم و هو على  
 و مولاة من اله عوفجل انقما على  
 صابرا تاني، ان عليا والظبي من فله (من  
 ظبه) هم انقل الاخير، والفران انقل  
 الاخير، فكل واحد منهما هني عن  
 حاجبه و فوايه له، لى يفرها على برما على  
 الحرف الا انهم اضا؛ اله في خلفه و  
 عضاة في اذنه. الا وقد اذنت الا  
 وقد نشت، الا وقد اذنت، الا وقد  
 اذنت، الا و ان اله عوفجل فال  
 و انا قلت عن اله عوفجل، الا انه لا  
 «امير المؤمنين» غير اعم هما، الا انقل  
 اهرة المؤمن يده لاعم غيره. نه فال:  
 «ايها تاني، من اولي بضم من انفسهم؟  
 فالوا: اله و منولة. فقال: الا من ضفت  
 مولا فمما على مولا، اللهم وال  
 من مولاة و حام من حماة وانضم  
 نره و اخطل من عفاة. صابرا تاني،  
 مما على اعم و هو و ما على على،  
 و خليف في اقر على من اقر به و على تفسير  
 كتاب اله عوفجل والفاي اله  
 وانا هل ياترطه و اصحابه لانما اله  
 و انواو على طابعه و انواو عن فنيه.  
 اية خليفة رسول اله و امير المؤمنين  
 و الامام الهامد من اله، و فائل التاكيد  
 و الفايظ و الفاهن باقر اله. بقول اله:  
 (ما ينل القول لده). باقره باذنت قول:  
 اللهم وال من مولاة و حام من حماة  
 (وانضم من نره و اخطل من عفاة) و انزل  
 من انكرة و اخشب على من جحد عفاة.  
 اللهم انك انزلت الالة في على و لشد  
 جنتي من اله و نسيك اياه له انما انوم:  
 (انوم اذنتك لضم دينك و اذنتك  
 عذبتك يني و مضيت لضم الاملاق  
 دينا)، (و من يش غير الاسلام دينا فلن يقبل  
 منه ذوو في الاخرة من الجاهليين). اللهم  
 اى انمضك اى قد نشت. صابرا تاني،  
 مما على، انومك لى و اخضك لى  
 و انومك اى و اخضك على، اية  
 قد في الفراء الا وه، و لا ندم اله

## درويان حديث غدير

عدد زیادی از صحابه پیامبر ﷺ  
 حدیث غدیر را مستقیماً نقل کرده‌اند  
 که در برخی کتب آن‌ها را بیش از  
 صد و بیست هزار نفر شمرده‌اند؛ البته  
 یقیناً با توجه به حضور گسترده و  
 صد و بیست هزار نفری مسلمانان در آن  
 روز، تعداد روایان مستقیم، بسیار بیش  
 از این است.

در این قسمت پس از ذکر اسامی اهل بیت پیامبر ﷺ، که از روایان این واقعه بودند، اسامی تعدادی از این روایان را به ترتیب حروف الفباء ذکر می‌کنیم:

۱. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ.
۲. حضرت فاطمه زهرا ﷺ دختر رسول خدا ﷺ.
۳. امام حسن ﷺ.
۴. امام حسین ﷺ.
۵. ابوبکر بن ابی قحافه تمیمی.
۶. ابوفضاله انصاری، از اهل بدر که در صفین در رکاب حضرت امیرالمؤمنین ﷺ به شهادت رسید.
۷. ابوهریره دوسی.
۸. ابی بن کعب انصاری خزرگی، بزرگ قراء.
۹. اسامة بن زید.
۱۰. اسماء بنت عُمیس خثعمیه.
۱۱. اُمّ سلمه همسر پیامبر ﷺ.
۱۲. اُمّ هانی دختر ابوطالب ﷺ.
۱۳. انس بن مالک انصاری خزرگی، خادم پیامبر ﷺ.

۱۴. براء بن عازب انصاری اوسی.
۱۵. جابر بن عبدالله انصاری.
۱۶. جندب بن جناده غفاری ابوذر.
۱۷. حذیفه بن أسید، ابوسریحه غفاری، از اصحاب شجره.
۱۸. حذیفه بن یمان یمنی.
۱۹. حسان بن ثابت.
۲۰. خالد بن زید، ابویوب انصاری. در جنگ با روم به شهادت رسید.
۲۱. خالد بن ولید بن مغیره مخزومی، ابوسلیمان.
۲۲. خزیمه بن ثابت انصاری ذوالشهادتین، که در صقین به شهادت رسید.
۲۳. زبیر بن عوام قرشی.
۲۴. زید بن ارقم انصاری خزرجی.
۲۵. سعد بن ابی وقاص، ابواسحاق.
۲۶. سعد بن عباد انصاری خزرجی.
۲۷. سعید بن زید قرشی عدوی، یکی از عشره مبشره.
۲۸. سلمان فارسی ابو عبدالله.
۲۹. طلحة بن عبدالله تیمی.

۳۰. عائشه دختر ابى بكر.
۳۱. عباس بن عبد الملك بن هاشم، عموى پيامبر ﷺ.
۳۲. عبدالله بن جعفر بن ابى طالب هاشمى.
۳۳. عبدالله بن عباس.
۳۴. عثمان بن عفّان.
۳۵. عدى بن حاتم، ابو طريف.
۳۶. عمّار بن ياسر عنسى، ابو اليقظان.
۳۷. عمرو بن خطاب.
۳۸. عمرو بن حمق خزاعى، كوفى.
۳۹. عمرو بن عاص.
۴۰. فاطمه دختر حمزة بن عبد المطلب.
۴۱. قيس بن ثابت شمّاس انصارى.
۴۲. مقداد بن عمرو كندى، زهرى.
۴۳. وهب بن حمزه.
۴۴. يعلى بن مرّة بن وهب ثقفى، ابو مرّازم<sup>۱</sup>.
۱. مناقب على بن ابى طالب عليه السلام، ص ۲۲، ح ۳۱؛ ذخائر العقبى، ص ۶۷؛ البداية والنهاية، ج ۷، ص ۳۸۶؛ اسنى المطالب، ص ۴۸.

پس از زمان پیامبر ﷺ، خطبه غدير بارها و بارها توسط اهل بيت عليهم السلام و اصحاب و ياران پیامبر مورد احتجاج قرار گرفت، و اين نیز نشانه‌ای بود بر مقبوليت اين خطبه در نزد مسلمانان آن زمان.

در طول ۱۴ قرن گذشته نیز، روايان حديث از اهل تسنن و اهل تشيع، متن و کلمات اين خطبه را در کتب تاريخی ذکر کرده‌اند که علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب ارزشمند «الغدیر»، تأليف عالم جليل القدر، مرحوم علامه امینی رحمته الله عليه مراجعه کنند و به تفصيل، اسناد روايت خطبه را از زمان پیامبر تا کنون مطالعه نمایند.

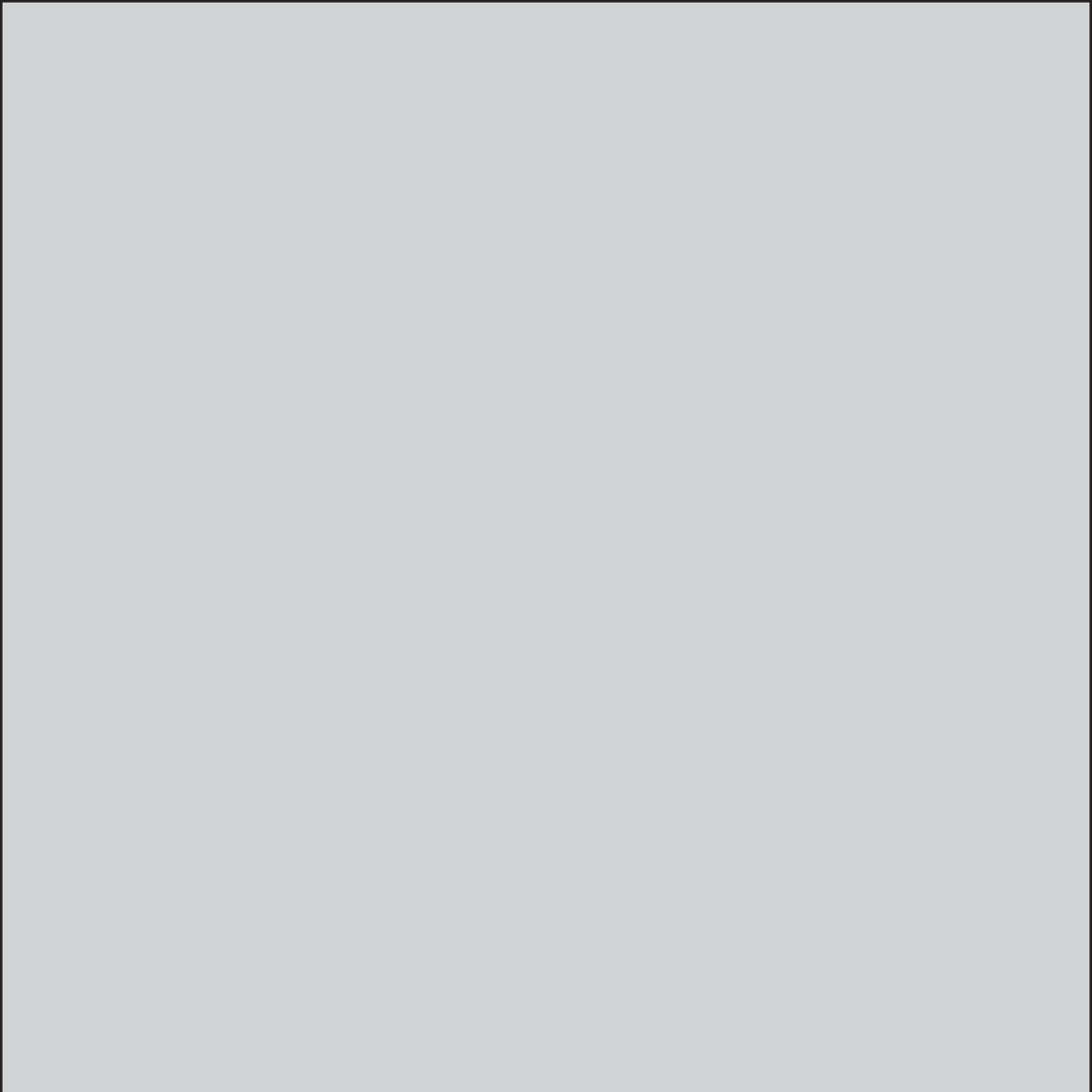
علامه امینی در کتاب الغدير، ۱۱۰ نفر از صحابه و ۸۴ نفر از تابعين و ۳۶۰ نفر از علمای اهل سنت که از ابتدای قرن دوم تا قرن چهاردهم به اين حديث اشاره کرده‌اند را نام برده است.<sup>۱</sup>

همچنين حافظ سجستاني از عالمان اهل تسنن کتابی به نام «الدراية في حديث الولاية» در هفده جلد تأليف کرده و در آن حديث غدير را از صد و بيست صحابی نقل کرده است.<sup>۲</sup>

---

۱. الغدير، ج ۱، ص ۱۴-۱۵.

۲. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴.





معاشر الناس تترجموا القرآن و ترجموا  
 آياته و انظروا الى شخصاته و لا يتسوا  
 متساوية، فوالله ان بينكم مواجزة و ان  
 يوضح لكم تفسيره الا الله انا اخذ بيده  
 و مضى الى دنائنا بغيره (وهما ههنا يدور) و  
 فيلخص: ان من كتبت مؤلفه فهذا علي  
 مؤلفه، و من علي اني طالب احب و من  
 و مؤلفه من الله عزوجل انزلها علي  
 معاشر الناس، ان عليا و الحسين من ذمهم (من  
 عليه) ثم انزل الاصح، و القرآن انزل  
 الاصح، فضل واحد منهما ههنا عن  
 طابعه و مواهبه، ان يقرها علي و ما علي  
 الا ان يقرها انتم ايضا، الله في خلقه و  
 عطاياه في امته، الا وقد اذنت الا  
 وقد كتبت، الا وقد اذنت، الا وقد  
 اذنت، الا و ان الله عزوجل قال  
 و انا ظننت اني اذنت علي، الا ان الله لا  
 (امير المؤمنين) غير احب هذا، الا لا في  
 اخرة المؤمنين بعد الاحم خير، ثم قال:  
 (ايها الناس، من اولي بكم من انفسكم؟  
 قالوا: الله و رسوله. فقال: الا من كتبت  
 مؤلفه فهذا علي مؤلفه، اللهم و ان  
 من ولاة و حامد من حماة قائم من  
 نوره و اخذ من عذله، معاشر الناس،  
 هذا علي احب و مني و ما علي احب  
 و خلق في اقر علي من امي و علي تفسير  
 كتاب الله عزوجل و التام اليه  
 و التام و ما يقره و ما يقره لا يخافه  
 فاقول علي طابعه قائم عن نفسه،  
 انه خليفة رسول الله و امير المؤمنين  
 و الامام الهادي من الله، و انزل التام  
 فالحقيني و ما يقره في اقره، يقول الله:  
 (ما نزل الا قول الحق) باقره باذن اقول:  
 اللهم و ان من ولاة و حامد من حماة  
 (و ان من نوره و اخذ من عذله) و ان  
 من انكره و اخذت علي من عذله  
 اللهم انك انزلت الالة في علي و ليك  
 عنتي في خالد و ليك آية في اقره:  
 (اليوم اضعفت لكم دينكم و اضعفت  
 عليكم نبي و وصيت لكم الانام  
 دينا)، (و من بين خير الانام دينا من نزل  
 منه فهو في الاحرة من الناس)، اللهم  
 اني اضعفك اني قد كتبت، معاشر الناس،  
 هذا علي، انتم مني و ما احسنتم  
 و اقره اني فاحسنتم علي، انه

## متن و ترجمه خطبه

متن خطبه از کتاب معتبر احتجاج<sup>۱</sup> مرحوم  
 طبرسی نقل شده و شرح وژگان کلیدی  
 نیز با استفاده از توضیحات مرحوم  
 مجلسی در بحار الانوار<sup>۲</sup> و توضیحات  
 علامه بحرانی در کتاب عوالم العلوم<sup>۳</sup> بیان  
 شده است.

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص: ۵۸.

۲. بحار الانوار، ج ۳۷، ص: ۲۰۴.

۳. عوالم العلوم، ج ۳/۱۵، صفحات ۳۰۷ - ۳۲۷.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَعَظَمَ فِي أَرْكَانِهِ وَ  
أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَهُوَ فِي مَكَانِهِ وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ مَجِيدًا  
لَمْ يَزَلْ مَحْمُودًا لَا يَزَالُ؛

بَارِي الْمَسْمُوكَاتِ وَدَاحِي الْمَدْحُوتَاتِ وَجَبَّارِ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ قُدُوسٍ  
سُبُوحٍ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ مُتَفَضِّلٍ عَلَى جَمِيعِ مَنْ بَرَأَهُ مُتَطَوِّلٍ عَلَى جَمِيعِ مَنْ  
أَنْشَأَهُ يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعِيُونَ لَا تَرَاهُ كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنْانَةٍ قَدْ وَسِعَ كُلَّ  
شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَمَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ لَا يُعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا  
مِنْ عَذَابِهِ؛

قَدْ فَهَمَ السَّرَائِرَ وَعِلِمَ الضَّمَائِرَ وَلَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكْنُونَاتُ وَلَا اسْتَدْبَهَتْ عَلَيْهِ  
الْخَفِيَّاتُ لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ وَالْعَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ  
الْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَلَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ وَهُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ دَائِمٌ  
قَائِمٌ بِالْقِسْطِ «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛

١ . آل عمران: ١٨ .

## شرح واژگان

۱

سمک:

سقف:

آسمان‌ها: اینجا

۲

دحی:

گستراننده:

گستراننده: اینجا

۳

قُدُوس:

پاک و منزّه از

هر عیب و نقص

۴

اناة:

وقار و حلم

ستایش خداوندی را که در یگانگی اش بلندمرتبه و در تنهایی اش به آفریدگان نزدیک است؛ سلطنتش پر جلال و در ارکان آفرینش بزرگ است. بر همه چیز احاطه دارد، بی آنکه مکان داشته باشد و جابه جا شود و بر تمامی آفریدگان، به قدرت و برهان خود چیره است.

همواره ستوده بوده و خواهد بود و مجد و بزرگی او را پایانی نیست. آغاز و انجام از او؛ و برگشت تمامی امور به سوی اوست. اوست آفریننده آسمان‌ها و گستراننده زمین‌ها و حکمران آن‌ها. دور و منزّه از ویژگی‌های آفریده‌هاست و در منزّه بودن خود نیز، از تقدیس همگان برتر. اوست پروردگار فرشتگان و روح؛ و فیض بخش بر آفریدگان و بخشنده بر همه موجودات. به نیم‌نگاهی دیده‌ها را ببیند و دیده‌ها هرگز او را نبینند. کریم و بردبار و شکیباست. رحمتش جهان شمول است و عطایش منت‌گذار. همه چیز را به رحمت خود در برگرفته و برهمگان به نعمت خویش منت نهاده است.

نه در انتقام گرفتن شتاب دارد و نه به عذابی که مردمان سزاوارش شده‌اند، تعجیل می‌ورزد. همه نهفته‌ها را دریافته و به همه اسرار پنهان آگاه است. نه پدیداری بر او ناپیدا و نه پنهانی برای او ناشناخته است. بر همه چیز احاطه و چیرگی دارد و در انجام هر کار توانا و بر هر چیز قدرت دارد.

چیزی همانند او نیست و او پدیدآورنده هر شیء [و موجودی] است، آن زمان که هیچ شیء [و موجودی] نبود. عدل‌گستر است و خداوندی جز او نباشد و اوست ارجمند و حکیم.

جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ لَا يَلْحَقُ  
أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ إِلَّا بِمَا دَلَّ  
عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ؛

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ وَ الَّذِي يُغَيِّبُ الْأَبَدَ نُورُهُ وَ الَّذِي يُنْفِذُ  
أَمْرَهُ بِلاَ مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ وَ لاَ مَعَهُ شَرِيكَ فِي تَقْدِيرٍ وَ لاَ تَفَاوُتٌ فِي تَدْبِيرٍ صَوَّرَ مَا  
أَبْدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِلاَ مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَ لاَ تَكْلَفٍ وَ لاَ احْتِيَالٍ  
أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَ بَرَّأَهَا فَبَانَتْ فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ الْحَسَنُ  
الصَّنِيعَةَ الْعَدْلُ الَّذِي لاَ يَجُورُ وَ الْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ؛

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ وَ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ مَلِكُ  
الْأَمْلاِكِ وَ مُفْلِكُ الْأَفْلاِكِ وَ مُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ كُلِّ يَجْرِي لِأَجْلِ مُسَمًّى  
«يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ»<sup>١</sup> «يَطْلُبُهُ حَثِيثًا»<sup>٢</sup> قَاصِمُ كُلِّ

١. الزمر: ٥.

٢. الاعراف: ٥٤.

## شرح واژگان

۵

معاینه:  
به چشم دیدن

۶

احتیال:  
حیله‌گری  
چاره‌سازی

۷

مشبیر:  
مشاور

۸

مفلک:  
چرخاننده

دیده‌ها را بر او راهی نیست و اوست که دیده‌ها را دریابد و اوست بر پنهانی‌ها آگاه و بر کارها دانا. هیچ‌کس از آنچه فهمیده به اوصاف او نمی‌رسد و هیچ‌کس در آشکار و نهان در نمی‌یابد که او چگونه است، جز به کمک آنچه او، خود رهنمود داده است.

گواهی می‌دهم که او «الله» است؛ او که تنزهش سراسر روزگاران را فراگرفته و پرتویش ابدیت را شامل است. فرمانش را بی‌مشاور اجرا کند و تقدیرش را بی‌شریک امضاء؛ و هستی را بی‌یاور سامان دهد. صورت آفرینش او را الگویی نبوده؛ آفریدگان را بدون یاور و سختی و حیله، هستی بخشیده است. جهان با ایجاد او موجود و با آفرینش او پدیدار شده است. پس اوست «الله» و معبودی جز او نیست؛ او که صنّعش استوار و ساختمان آفرینشش زیباست.

دادگری که ستم روا نمی‌دارد و بخشنده‌ترینی که کارها به او بازمی‌گردد؛ و گواهی می‌دهم او الله است که هر موجودی در برابر بزرگی‌اش فروتن و در مقابل ارجمندی‌اش رام و به توانایی‌اش تسلیم و به هیبتش خاضع است. پادشاه هستی‌ها و چرخاننده سپهرها و رام‌کننده آفتاب و ماه که هریک تا آجل معین جریان یابند. «او پرده شب را به روز و پرده روز را به شب پیچد» «که شتابان در پی روز است»؛ او شکننده هر

جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمُهْلِكٍ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ ضِدٌّ وَلَا نِدًّا أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ؛

إِلَهٌ وَاحِدٌ وَرَبُّ مَا جَدَّ يَشَاءُ فَيَمْضِي وَيُرِيدُ فَيَقْضِي وَيَعْلَمُ فَيُحْصِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَيُفْقِرُ وَيُغْنِي وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ «يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ»<sup>٢</sup> لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ؛

مُجِيبُ الدُّعَاءِ وَمُجْزِلُ الْعَطَاءِ مُحْصِي الْأَنْفَاسِ وَرَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَلَا يُضْجَرُهُ صِرَاحُ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَلَا يُبْرِمُهُ إِحْسَاحُ الْمُطْلِحِينَ الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ وَالْمَوْفِقُ لِلْمُفْلِحِينَ وَمَوْلَى الْعَالَمِينَ الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ أَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ وَأَمِينٌ بِهِ وَبِمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ؛

١. الاخلاص: ٣ - ٤.

٢. الحديد: ٦.

## شرح واژگان

۹

مَرِيد:

سرپیچ و متمرد

۱۰

ضَجْر:

خسته شدن

ملول شدن

۱۱

اِبْرَام:

به ستون سته آمَدَن

۱۲

الْحَاح:

اصرار در خواهش

ستمگرِ باطلِ گرا و نابودکننده هر شیطان سرکش است.

نه او را ناسازی باشد و نه برایش ماندی. یکتا و بی‌نیاز، «نه زاده و نه زاییده شده و او را همتایی نبوده»؛ خداوند بیگانه و پروردگار بزرگوار است.

بخواهد و به انجام رساند؛ اراده کند و حکم نماید؛ بداند و بشمارد؛ بمیراند و زنده کند؛ نیازمند و بی‌نیاز گرداند؛ بخنداند و بگریاند؛ نزدیک آورد و دور برد؛ بازدارد و عطا کند. اوست لایق پادشاهی و ستایش.

تمام نیکی‌ها به دست توانای اوست و بر هر چیز تواناست. «شب را در روز و روز را در شب فرو برد». جز او خداوندی نباشد؛ گران قدر و آمرزنده؛ پذیرنده دعا و افزاینده عطا؛ بر شمارنده نَفَس‌ها و پروردگار پری و انسان.

چیزی بر او مشکل ننماید. فریادِ فریادکنندگان، او را آزرده نکند و اصرارِ اصرارکنندگان، او را به ستوه نیاورد.

نیکوکاران را نگاهدار و رستگاران را یار، مؤمنان را صاحب‌اختیار و جهانیان را پروردگار است؛ او که در همه احوال، سزاوار سپاس و ستایش آفریدگان است.

او را ستایش فراوان و سپاس جاودانه می‌گویم در شادی و رنج و آسایش و سختی؛ و به او فرشتگان و نوشته‌ها و فرستاده‌هایش ایمان داشته،

أَسْمَعُ أَمْرَهُ وَأُطِيعُ وَأُبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَأَسْتَسَلِمُ لِقَضَائِهِ رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ  
وَخَوْفًا مِنْ عُقُوبَتِهِ لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ مَكْرَهُ وَلَا يُخَافُ جَوْرَهُ؛  
وَأُقِرُّ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَأُؤَدِّي مَا أَوْحَى إِلَيَّ حَذْرًا مِنْ  
أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحُلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا  
هُوَ لِأَنَّهُ قَدْ عَلَّمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَغْتُ رِسَالَتَهُ وَقَدْ ضَمِنَ لِي  
تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ؛

فَأَوْحَى إِلَيَّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»  
فِي عَلِيٍّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا  
بَلَغْتُ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعِصْمُكَ مِنَ النَّاسِ»؛<sup>١</sup>

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ وَأَنَا مُبَيِّنٌ لَكُمْ سَبَبَ  
نُزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ؛

إِنَّ جَبْرئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَهُوَ

١. المائة: ٦٧.



## شرح واژگان

۱۳

مبادره:  
اقدام کردن  
پیشگی گرفتن

۱۴

قارعة:  
مصیبت بزرگ و  
عذاب هلاک کننده

۱۵

حيلة:  
قدرت، توانایی

۱۶

عصمة:  
منع کردن، نگهداری

فرمان او را به گوش جان می گیرم و به آن گردن می نهم، به سوی آنچه او را خشنود سازد می شتابم و از سرشوق به طاعت او و ترس از عقوبت او، تسلیم تقدیر او می شوم، زیرا او خدایی است که از مکرش [و عاقبتی که برای ستمکاران در نظر گرفته] ایمنی نیست و از ستمش ترسی نیست [زیرا هیچ گاه ستم نمی کند].

و اکنون به بندگی خویش و پروردگاری او گواهی می دهم؛ و وظیفه خود را در آنچه وحی شده، انجام می دهم؛ مبادا از سوی او عذابی فرود آید که هیچ کس - هرچند با سپاهی گران - نتواند آن را از من دور سازد.

خداوندی جز او نیست و به من هشدار داده که اگر آنچه در حق علی علیه السلام نازل کرده به مردم ابلاغ نکنم، وظیفه رسالتش را انجام نداده ام؛ و خود او - تبارک و تعالی - امنیت از آزار مردم را برایم تضمین کرده و البته که او کافی و بخشنده است.

پس آنگاه خداوند چنین وحی ام فرموده: «به نام خداوند بخشنده مهربان؛ ای فرستاده ما! آنچه از سوی پروردگارت بر تو فرو فرستادیم» درباره علی علیه السلام و جانشینی او «به مردم برسان؛ وگرنه رسالت خداوندی را به انجام نرسانده ای و او تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد».

ای مردم! من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده، کوتاهی نکرده ام و اینک نیز علت نزول این آیه را برای شما بیان می دارم: جبرئیل سه بار

السَّلَامُ أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَعْلِمَ كُلَّ أَبِيضٍ وَأَسْوَدَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»<sup>١</sup> وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ؛

وَسَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْغَالِ الْأَثِمِينَ وَخْتَلِ الْمُسْتَهْزِعِينَ بِالْإِسْلَامِ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ «يَقُولُونَ بِالسُّنَنِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ»<sup>٢</sup> «وَيَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ»<sup>٣</sup> وَكَثْرَةَ آذَاهُمْ لِي فِي غَيْرِ مَرَّةٍ حَتَّى

١. المائدة: ٥٥.

٢. الفتح: ١١.

٣. النور: ١٥.

## شرح واژگان

۱۷

مشهد:  
مجلس، جمع

۱۸

إدغال:  
مخالفت و خیانت

۱۹

أثم:  
گناهکار،  
معصیت‌کار

۲۰

ختل:  
نیرنگ و فریب

از جانب پروردگار - که خود سلام و خداوند سلامتی است - بر من فرود آمده و سلام پروردگارم را به من رسانده و امر کرده که در این جمع برخیزم و به هرسفید و سیاه خبر دهم که علی بن ابی طالب علیه السلام، برادر، وصی، خلیفه و امام پس از من است که نسبت به من جایگاهی چون جایگاه هارون نسبت به موسی دارد، جز این که پس از من پیامبری نیست؛ و او پس از خدا و رسول او، صاحب اختیار شماس است؛ و خداوند تبارک و تعالی، آیه‌ای بر من نازل فرموده که: «همانا تنها ولی و سرپرست و صاحب اختیار شما، خداوند و پیامبرش و مؤمنانی هستند که نماز به پا می‌دارند و در رکوع زکات می‌پردازند»؛ و قطعاً علی بن ابی طالب، نماز به پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و پیوسته خداخواه است.

ای مردم! من از جبرئیل خواستم مرا از رساندن این فرمان به شما معذور بدارد، چرا که از کمی پرهیزگاران، فزونی منافقان، حيله‌گری و خیانت گناهکاران و دسیسه‌ کسانی که اسلام را به ریشخند می‌گیرند خبر داشتم؛ همان‌ها که خداوند در کتاب خود آنان را به این وصف خوانده: «به زبان می‌گویند آن را که در دل هایشان نیست» و می‌شمارند «آن را اندک و آسان، حال آن که نزد خداوند بس بزرگ است».

آنان بارها مرا آزردهند تا جایی که مرا اُذن [سخن شنو و زودباور] نامیدند، به خاطر پذیرش علی علیه السلام؛ و همراهی و تمایل و توجه ویژه من به او، تا آنجا که خداوند آیه‌ای فرو فرستاد: «و از آنان اند [یعنی از منافقین] کسانی که

سَمَوْنِي أَدْنَا وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَلِك لِكثْرَةِ مَلَا زَمَتِهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلُ أَدْنَىٰ» عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أَدْنَىٰ «خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ» الْآيَةَ؛  
وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أُؤَمِّيَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لِأَوْمَاتٍ وَأَنْ أَدَّلَ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ وَلِكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكْرَمْتُ وَكُلَّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ ثُمَّ تَلَا «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» فِي عَلِيٍّ «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»؛  
فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ وَعَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَعَلَى كُلِّ مُوَحِّدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ

١ . التوبة: ٦١ .

٢ . المائدة: ٦٧ .

## شرح واژگان

۲۱

أُنْذِنَ:

شخص زودباور

۲۲

:ایماء

اشاره، نشان دادن

۲۳

:بادی

،بادیه نشین

روستایی

۲۴

:حر

آزاد، در مقابل برده

پیامبر خدا را آزرده و گویند: او سخن شنوزودباور است. بگو: آری، او سخن شنوست» برای آنان که گمان می‌کنند او تنها سخن می‌شنود؛ «لیکن به خیر شماس است. او [پیامبر ﷺ] به خدا ایمان دارد و اهل ایمان را تصدیق کرده، راست گو می‌انگارد؛ و هم او رحمت است برای مومنان شما و البتّه برای آنان که او را آزار دهند، عذابی دردناک خواهد بود».

اگر می‌خواستم آن‌ها را به نام برشمارم برمی‌شمردم، اگر می‌خواستم به تک‌تک آنان اشاره کنم، اشاره می‌کردم و اگر می‌خواستم به شما از آنان نشانه‌ای دهم می‌دادم؛ اما من دربارهٔ آنان بزرگواری در پیش گرفتم؛ ولی باین همه، خدا از من خشنود نمی‌شود مگر آن‌که آنچه را بر من نازل کرده به شما برسانم.

[آنگاه پیامبر ﷺ چنین خواند:]: «ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت بر تو فرود آمده» در حقّ علی، «ابلاغ کن وگرنه رسالت او را انجام نداده‌ای و البتّه خداوند تو را از آسیب مردمان، نگاه می‌دارد».

اینک ای مردم! بدانید که خداوند او [علیؑ] را برای شما به عنوان ولی و امام تعیین کرده؛ و اطاعت از او بر مهاجرین و انصار و بر تابعینی که به نیکی از آنان پیروی کردند، بر شهرنشین و بادیه‌نشین، بر عجم و عرب، بر آزاد و برده، بر کوچک و بزرگ و بر سفید و سیاه و بر هر یگانه‌پرست واجب است. فرمان او روا، سخن او مقبول و امر او نافذ است. آن‌که با او مخالفت کند ملعون، آن‌که در پی او رود رحمت شده و آن‌که او را باور دارد مؤمن

مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ مُؤْمِنٌ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ؛  
مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَانْقَادُوا  
لِأَمْرِ رَبِّكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَهُكُمْ ثُمَّ مِنْ دُونِهِ مُحَمَّدٌ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلِيُّكُمْ الْقَائِمُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ وَ  
إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ  
لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَلَا حَرَامًا إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ عَرَّفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا  
أَفْضَيْتُ لِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ؛  
مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَكُلُّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ  
فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ؛  
مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَضَلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ وَلَا تَسْتَكْبِرُوا [وَلَا تَسْتَنْكِفُوا]  
مِنْ وَلايَتِهِ فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهَى عَنْهُ وَ  
لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَاتِمَّةٌ لَأِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَهُوَ الَّذِي فَدَى

## شرح واژگان

۲۵

انقیاد:

پذیرفتن،  
گردن نهادن

۲۶

نفر:

نپسندیدن  
مکروه دانستن

۲۷

استنکاف:

امتناع از روی تکبر

۲۸

زهق:

باطل و نابود شدن

است. خداوند او و هر که حرف او را شنیده و از او فرمان ببرد، آموخته است. ای مردم! این آخرین بار است که من در چنین جمعی از شما، حضور می‌یابم. پس فرمان خداوند را بشنوید و بپذیرید و به آن گردن نهید که خداوند عزوجل مولا و خدای شماست. پس از او نیز محمد ﷺ - همان که ایستاده و با شما سخن می‌گوید - ولی شماست و پس از من نیز علی ﷺ به فرمان پروردگارتان ولی و امام شماست. سپس نیز امامت در نسل من از فرزندان اوست تا آن روز که خداوند و رسول او را ملاقات کنید. حلالی نیست جز آنچه خداوند حلال کرده و حرامی نیست جز آنچه خداوند حرام کرده؛ و او [خداوند] خود مرا از حلال و حرام آگاه کرده است؛ و من آنچه پروردگارم از کتاب و حلال و حرام خویش به من آموخته، ادا کردم.

ای مردم! هیچ علمی نیست مگر آن که خداوند آن را در من گردآورده و هر علمی هم که من آموخته‌ام آن را در امام پرهیزکاران فراهم ساخته‌ام و هیچ علمی نیست مگر این که آن را به علی ﷺ آموخته‌ام و او «امام مبین» است. [که خداوند در سوره یاسین از او گفت و گو کرده: «و علم هر چیز را در امام مبین برشمردیم»].

ای مردم! از او دور نشوید و از او نگریزید و در برابر ولایت او تکبر نورزید و سرمپیچید؛ چرا که او همان کسی است که به حق راه می‌نماید و به آن عمل می‌کند و باطل را می‌میراند و از آن نهی می‌کند و در راه خدا ملامت هیچ ملامتگری او را نمی‌گیرد. او نخستین کسی است که به خدا و

رَسُولَهُ بِنَفْسِهِ وَهُوَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدَ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ  
الرِّجَالِ غَيْرُهُ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضَلُّوهُ فَقَدْ فَضَلَهُ اللَّهُ وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ؛  
مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَهُ وَلَنْ يَغْفِرَ  
اللَّهُ لَهُ حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا شَدِيدًا  
نُكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَدَهَرَ الدُّهُورِ فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَصَلُّوا «نَارًا وَقُودَهَا النَّاسُ وَ  
الْحِجَارَةُ أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»<sup>١</sup>؛

أَيُّهَا النَّاسُ بِي وَاللَّهِ بَشِيرَ الْأُولُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَنَا خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَ  
الْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ فَمَنْ  
شَكَ فِي ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ كُفْرَ [الْجَاهِلِيَّةِ] الْأُولَى وَمَنْ شَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي  
هَذَا فَقَدْ شَكَ فِي الْكُلِّ مِنْهُ وَالشَّاكُّ فِي ذَلِكَ فَلَهُ النَّارُ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ حَبَانِي اللَّهُ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَّامِنُهُ عَلَيَّ وَإِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ وَلَا إِلَهَ إِلَّا

١. آل عمران: ١٣١.



## شرح واژگان

۲۹

نکراً:

بسیار سخت

۳۰

ابدالآباد:

به طور همیشگی

تا ابد

۳۱

دهه رالدهور:

تا زمان بی نهایت

۳۲

حبوة:

عطا و بخشش

رسولش ایمان آورد. اوست که خود را فدایی رسول خدا ساخت و اوست که با رسول خدا بود، درحالی که هیچ کس دیگر در کنار پیامبر نبود که همراه او خدا را بپرستد.

ای مردم! او را برتردارید که خداوند برترش داشته و او را بپذیرید که خداوند او را منصوب [به ولایت] کرده است.

ای مردم! او [علی علیه السلام] امامی است از جانب خداوند و خداوند هرگز آن را که منکراو شود، نخواهد آمرزید و هرگز توبه او را نخواهد پذیرفت. خداوند بر خود واجب ساخته که با هر کس فرمان او را مخالفت ورزد، چنین کند و او را برای همیشه و تا زمان، زمان است به عذابی سخت گرفتار سازد؛ پس از این بپرهیزید که با او مخالفت ورزید و به این سبب در آتشی درآیید که سنگ ها و آدمیان هیزم آن اند و برای کافران آماده شده است».

ای مردم! به خداوند سوگند، پیامبران و رسولان نخستین، تنها به [ظهور و نبوت] من مژده داده شده اند و من خاتم انبیاء و مرسلین و حجت خدا بر همه آفریدگان آسمان و زمین هستم و هر که در این تردید ورزد، به کفر جاهلیت نخستین درآمده و هر که در بخشی از این سخنانم تردید آورد، در همه آن تردید آورده و آن که در همه این حقایق تردید آورد، به دوزخ رود. ای مردم! خداوند بر من منت نهاده و احسان و نیکی ورزیده و مرا به این فضیلت گرامی داشته است و خدایی جز او نیست. تمامی ستایش های

هُوَ لَهُ الْحَمْدُ مِنِّي أَبَدَ الْأَبْدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضِّلُوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْتَى بِنَا أَنْزَلَ  
 اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَعْضُوبٌ مَعْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَ  
 لَمْ يُؤَافِقْهُ إِلَّا إِنَّ جَبْرَيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَ  
 لَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لِعَنَتِي وَغَضَبِي «فَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ»<sup>١</sup> أَنْ  
 تُخَالِفُوهُ «فَنَزَلَ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا»<sup>٢</sup> «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»<sup>٣</sup>؛  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ تَعَالَى «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ  
 يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ»<sup>٤</sup>؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَافْهَمُوا آيَاتِهِ وَانظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا  
 مُتَشَابِهَهُ فَوَ اللَّهُ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَا يُوضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا

١ . الحشر: ١٨ .

٢ . النحل: ٩٤ .

٣ . الحشر: ١٨ .

٤ . الزمر: ٥٦ .

## شرح واژگان

من در تمامی روزگاران و هر حال و مقام، ویژه اوست.

۳۳

عادی:  
دشمنی کند

ای مردم! علی علیه السلام را برتر بدارید که برترین مردم اعم از مرد و زن، پس از من است؛ و خداوند به واسطه ما روزی بندگان را نازل کرده و بقای خلق به ماست. هر کس این گفته مرا نپذیرد و با آن مخالفت کند، لعنت شده و لعنت شده؛ و مورد غضب و مورد غضب [الهی] است. آگاه باشید که

۳۴

تـــولـــی:  
پذیرش ولایت

جبرئیل مرا از جانب خداوند به این حقیقت خبر داده که می‌گوید: هر کس با علی دشمنی ورزد و ولایت او را نپذیرد، لعنت و خشمم بر اوست. «البتّه باید هر کس بنگرد که برای فردای خویش چه پیش فرستاده. پس تقوا پیشه کنید» و از ناسازی با علی علیه السلام بپرهیزید؛ «مبادا که گام‌هایتان پس از استواری، بلغزد» «و همانا خداوند بر کردارتان آگاه است».

۳۵

جنب:  
هم‌جوار، همسایه

ای مردم! او همان هم‌جوار و همسایه خداوند است که در کتاب خود او را یاد کرده [و درباره آنان که در حقش کوتاهی کنند] فرموده: «مبادا کسی در روز قیامت بگوید: افسوس که درباره هم‌جوار و همسایه خداوند کوتاهی کرده‌ام».

۳۶

زواجر:  
جز جز؛ بمعنای نهی

ای مردم! در قرآن تدبر کنید و آیاتش را بفهمید و به محکّمات کتاب بنگرید و در پی متشابّهات آن نروید که به خداوند سوگند تنها و تنها آن کسی فرمان‌های بازدارنده قرآن را برایتان بیان می‌دارد و تفسیر کتاب را برایتان روشن می‌سازد که اینک من دست او را گرفته، بازوی او را فشرده و او

أَخَذَ بِيَدِهِ وَمُضِعِدُهُ إِلَيَّ وَ شَائِلٌ بِعَضُدِهِ وَمُعَلِّمُكُمْ أَن مَن كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَ هُوَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ مَوَالَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ فَكُلُّ وَاحِدٍ مُنْبِئِي عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛

هُمُ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكْمَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ الْأَا وَ قَدْ أَدَيْتُ الْأَا وَ قَدْ بَلَغْتُ الْأَا وَ قَدْ أَسْمَعْتُ الْأَا وَ قَدْ أَوْصَحْتُ الْأَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْأَا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا وَ لَا تَحِلُّ أَمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ؛ ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى عَضُدِهِ فَرَفَعَهُ وَ كَانَ مُنْذُ أَوَّلِ مَا صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَالَ عَلِيًّا حَتَّى صَارَتْ رِجْلُهُ مَعَ رُكْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَاعِي عَلِيٍّ وَ

## شرح واژگان

۳۷

شائل:  
بلندکننده  
بالا برنده

۳۸

امرة:  
امارت و فرماندهی  
سرپرستی

۳۹

رکبة:  
زانو

۴۰

واعی:  
دربردارنده

را به سمت خویش بالا آورده‌ام و به شما اعلام می‌کنم «هرکس من مولایش بوده‌ام، این علی علیه السلام مولای اوست» و علی علیه السلام پسر ابوطالب، برادر و وصی من است؛ و ولایت و سرپرستی او حکمی از سوی خداست که بر من فرو فرستاده است.

ای مردم! علی علیه السلام و فرزندان پاک من همان ثقل کوچک‌ترند و قرآن ثقل بزرگ‌تر است [که از این دو، به ثقلین یاد می‌شود]. هریک از این دو، از دیگر همراه خود حکایت می‌کند و با آن سازگار است. آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند. آنان [علی و فرزندان] امانت‌داران خداوند در میان آفریدگان و حاکمان او، در زمین‌اند.

آگاه باشید که وظیفه‌ام را انجام دادم! آگاه باشید که رسالت خدای را ابلاغ کردم! آگاه باشید که به گوش مردم رساندم! آگاه باشید که حقیقت را روشن ساختم!

آگاه باشید که خداوند فرموده و من نیز از جانب خداوند می‌گویم: هرگز به جزاین برادرم، کسی «امیرالمؤمنین» نیست و فرماندهی مؤمنان پس از من، برای هیچ‌کس جز او روا نباشد!

[پیامبر که از آغاز تا کنون علی علیه السلام را بالا نگه داشته تا آنجا که پای علی علیه السلام برابر زانوی آن حضرت شده بود، در این هنگام دست خود را بر بازوی او زد و دست او را بلند کرد و سپس فرمود:]

خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَعَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالدَّاعِي إِلَيْهِ وَالْعَامِلِ بِمَا  
يَرْضَاهُ وَالْمُحَارِبِ لِأَعْدَائِهِ وَالْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَالنَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ خَلِيفَةُ  
رَسُولِ اللَّهِ وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَامُ الْهَادِي وَقَاتِلُ النَّاصِبِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَ  
الْمَارِقِينَ؛

بِأَمْرِ اللَّهِ أَقُولُ وَمَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ بِأَمْرِي أَقُولُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ  
عَادَاهُ وَالْعُنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَاعْضَبْ عَلَى مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنْ  
الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيٍّ وَلِيَّتِكَ عِنْدَ تَبْيَانِي ذَلِكَ وَنَصْبِي إِيَّاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ  
مِنْ دِينِهِمْ وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ وَرَضِيْتَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَقُلْتَ «وَمَنْ  
يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْأَخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» اللَّهُمَّ إِنِّي  
أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ  
يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعُرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ

١. آل عمران: ٨٥.

## شرح واژگان

۴۱

داعی:  
فراخواننده

۴۲

جحد:  
انکار همراه با آگاهی

۴۳

تبیان:  
روشن‌گری  
آشکارسازی

۴۴

لم یاتم به:  
اقتدان‌کنند  
پیروی نکنند

ای مردم! این علی علیه السلام، برادر، وصی و دربردارنده همه دانش من و خلیفه من بر اتمم و کسی است که کتاب خدای عزوجل را تفسیر می‌کند، مردم را به سوی او می‌خواند، آنچه او را خشنود سازد انجام می‌دهد، با دشمنان او دشمنی دارد، بر فرمان بری از او با دیگران پیوند ولایت بندد و مردم را از نافرمانی او بازدارد. خلیفه رسول خدا، امیر مؤمنان، امام هدایت‌گرو به فرمان خداوند، پیکار کننده با ناکشین [پیمان شکنان] و قاسطین [روی گردانان از راستی و درستی] و مارقین [خارج شدگان از دین] است.

به فرمان پروردگارم می‌گویم و کلام نزد من تغییر نمی‌کند: «پروردگارا! هر که او را دوست بدارد دوست بدار، هر که او را دشمن بدارد دشمن بدار، بر هر که او را انکار کند لعنت بفرست و بر هر که حق او را منکر شود خشم بگیر». پروردگارا! تو خود این سخن را بر من نازل کردی که امامت پس از من، از آن علی علیه السلام است و اینک در برابر آن که این حقیقت را بیان می‌دارم و او را به امامت نصب می‌کنم، دین بندگان را برای آنان کامل کردی، نعمت خویش را بر آنان به آخرین حد رساندی و اسلام را به عنوان دین برای آنان پسندیدی و آنگاه فرمودی: «و آن که به جز اسلام دینی بجوید؛ از او پذیرفته نبوده، در جهان دیگر، در شمار زیان کاران خواهد بود». پروردگارا تو را گواه می‌گیرم و گواهی تو کافی است که من پیام تو را رسانده‌ام.

ای مردم! خداوند به امامت او دین شما را کامل کرده است، پس آنان که

«فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ»<sup>١</sup> «وَفِي النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»<sup>٢</sup> «لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ»<sup>٣</sup>؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيٌّ أَنْصَرُّكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ؛

وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رَضِيَ إِلَّا فِيهِ وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ وَلَا شَهِدَ بِالْجَنَّةِ فِي «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ»؛ إِلَّا لَهُ وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ هُوَ نَاصِرٌ دِينِ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَهُوَ التَّقِيُّ النَّبِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيِّ وَوَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيِّ وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ؛ مَعَاشِرَ النَّاسِ ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ؛

١. البقرة: ٢١٧.

٢. التوبة: ١٧.

٣. البقرة: ١٦٢.

٤. الإنسان: ١.



## شرح واژگان

۴۵

انصر:  
یاری کننده‌تر

۴۶

أحق:  
سزاوارتر

۴۷

مجادل:  
مدافع، محامی

۴۸

صلب:  
دودمان و نسل

او و فرزندان و جانشینانش را - که تا روز قیامت و تا هنگام ارائه اعمال در پیشگاه خداوند امامت دارند - امام خویش ندانند «کرده‌هایشان درد و جهان بیهوده بوده» «و در آتش دوزخ جاودانه خواهند بود» به‌گونه‌ای که نه از عذابشان کاسته و نه برایشان فرصتی برای نجات خواهد بود» .

ای مردم! علی علیه السلام کسی است که بیش از همه شما مرا یاری داد، بیش از همه به من سزاوار است، بیش از همه به من نزدیک است و بیش از همه برایم عزیز است؛ و خداوند متعال و من از او خشنودیم. هیچ آیه‌ای در خشنودی خداوند از مردمان نازل نشده، مگر آنکه درباره اوست. هیچ‌گاه مؤمنان را مخاطب نساخته مگر آنکه او نخستین مخاطب است. هیچ آیه مدحی در قرآن نازل نشده مگر درباره او، در سوره «هل آتی» به هیچ‌کس بهشت مژده داده نشده مگر به او، و این سوره را خداوند فرو فرستاده مگر درباره او و هیچ‌کس را به آن نستوده است جز او.

ای مردم! اوست که دین خدای را یاری می‌دهد و از رسول خدا دفاع می‌کند؛ و او همان پرهیزگار پیراسته و هدایتگر هدایت‌شده است. پیامبرتان بهترین پیامبر است و وصی شما بهترین وصی و فرزندان او نیز برترین اوصیا هستند.

ای مردم! نسل هر پیامبری از صلب خود اوست و نسل من از صلب علی علیه السلام.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبَطَ  
أَعْمَالُكُمْ وَتَنْزِلَ أَقْدَامُكُمْ فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ لِحَاطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ وَهُوَ صَفْوَةٌ  
اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ؛  
إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا وَلَا يَتَوَالَى عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ؛  
وَ فِي عَلِيٍّ وَاللَّهِ نَزَلَتْ سُورَةُ وَالْعَصْرِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ وَالْعَصْرِ إِنَّ  
الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَى آخِرِهَا»؛  
مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رَسُولِي «وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ  
الْمُبِينُ»؛<sup>٢</sup>

مَعَاشِرَ النَّاسِ «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»؛<sup>٣</sup>  
مَعَاشِرَ النَّاسِ «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي»؛<sup>٤</sup> أَنْزَلَ مَعَهُ «مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ

١. العصر: ١ - ٣.

٢. النور: ٥٤.

٣. آل عمران: ١٠٢.

٤. التغابن: ٨.

## شرح واژگان

۴۹

حبط:

باطل شدن  
بیهوده شدن

۵۰

زل:

لغزیدن، لیز خوردن

۵۱

صفوة:

برگزیده، منتخب

۵۲

شقی:

بدبخت، گمراه  
شورور، نافرمان

ای مردم! ابلیس آدم را به خاطر «حسادت» از بهشت بیرون کرد؛ پس بر علی علیه السلام حسادت نورزید تا اعمالتان باطل شود و گام هایتان بلغزد؛ چراکه آدم که برگزیده خداوند بود، تنها به یک گناه به زمین آورده شد؛ تا چه رسد به شما که شما باید و بعضی از شما نیز دشمن خدایند.

آگاه باشید که علی علیه السلام را دشمن ندارد مگر بدبخت، علی علیه السلام را دوست ندارد مگر پرهیزگار و به او ایمان نیاورد مگر مؤمن مخلص.

به خداوند سوگند، سوره عصر درباره علی علیه السلام نازل شده است. «به نام خداوند بخشنده مهربان؛ به عصر سوگند که انسان ها همه در زیان اند؛ مگر

کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند».

ای مردم! خدا را گواه می گیرم که پیام او را به شما رساندم و «بر فرستاده، وظیفه ای جز بیان روشن نیست».

ای مردم! «تقوا پیشه کنید همان گونه که بایسته است و نمیرید جز با شرف اسلام».

ای مردم! «ایمان آورید به خدا و رسول او نوری که» همراهش فرود آمده

وَجُوهَا فَنَرَدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا»<sup>١</sup>؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ الثُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي مَسْلُوكِ تَمَّ فِي عَلِيٍّ تَمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ  
إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ  
جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَائِنِينَ وَالْأَثِمِينَ وَ  
الظَّالِمِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنْذِرْكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ  
«انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي  
اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»<sup>٢</sup>؛

أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ تَمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ؛  
مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ إِسْلَامَكُمْ فَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَيُصِيبَكُمْ بِعَذَابٍ  
مِنْ عِنْدِهِ إِنَّهُ «لِبِالْمُرْصَادِ»<sup>٣</sup>؛

١. النساء: ٤٧.

٢. آل عمران: ١٤٤.

٣. الفجر: ١٤.

«پیش از آن که چهره‌ها را تباه واژگونه کنیم» .

## شرح واژگان

۵۳

مسئله:

عبور و طی شده

ای مردم! نور از سوی خداوند عزوجل در جان من، سپس در جان علی بن ابی طالب علیه السلام و آنگاه در نسل او تا قائم مهدی - که حق خدا و تمامی حق ما را می‌ستاند - جای گرفته است؛ چراکه خداوند عزوجل ما را دلیل و حجت قرار داده بر کوتاهی‌کنندگان به عمد، ستیزه‌گران، ناسازگاران، خائنان و گنه‌کاران و ستمگران و غاصبان از تمامی جهانیان.

۵۴

مقصود:

کسی که به عمد

کوتاهی کند

ای مردم! شما را هشدار می‌دهم که من رسول خدایم، رسولی که پیش از او رسولان دیگر گذشته‌اند. پس آیا اگر بمیرم یا کشته شوم، «به جاهلیت برمی‌گردید؟ و آن‌که به قهقرا برگردد، هرگز خدا را زبانی نخواهد رسانید و او سپاس‌گزاران شکیبای را پاداش خواهد داد» .

۵۵

معاند:

مخالف و دشمن

آگاه باشید! علی علیه السلام و فرزندان من از نسل او، ستوده به وصف شکیبایی و سپاس‌گزاری‌اند.

۵۶

منت:

منت‌گذاری

ای مردم! اسلامتان را بر خدا منت نگذارید؛ که او بر شما خشم خواهد گرفت و شما را به عذابی از جانب خودش گرفتار خواهد کرد. به یقین پروردگار شما «در کمینگاه است» .

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي «أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ»؛<sup>١</sup>

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمُ؛  
مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُمْ وَأَنْصَارُهُمْ وَأَتْبَاعُهُمْ وَأَشْيَاعُهُمْ «فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ  
النَّارِ»<sup>٢</sup> «وَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ»<sup>٣</sup> أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ  
فِي صَحِيفَتِهِ.

[قَالَ فَذَهَبَ عَلَى النَّاسِ إِلَّا شِرْذِمَةً مِنْهُمْ أَمْرُ الصَّحِيفَةِ؛]

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَلَغْتُ مَا  
أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ  
لَمْ يَشْهَدْ وُلِدَ أَوْ لَمْ يُولَدْ فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرَ الْغَائِبَ وَالْوَالِدَ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ  
وَسَيَجْعَلُونَهَا مُلْكًا وَاعْتَصَابًا أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَالْمُعْتَصِبِينَ وَعِنْدَهَا

١. القصص: ٤١.

٢. النساء: ١٤٥.

٣. النحل: ٢٩.

## شرح واژگان

۵۷

فذهب:

مخفی ماند

۵۸

بِشْرُؤْمَةٍ:

گروهی اندک

۵۹

عقب:

بازماندگان، نسل

۶۰

اغتصاب:

با زور و ستم گرفتن

ای مردم! به زودی پس از من امامانی خواهند آمد و «شما را به آتش خواهند خواند. آنان در روز رستاخیز، تنها و بی‌یاور خواهند بود».

ای مردم! آگاه باشید که خداوند و من از آنان بیزاریم.

ای مردم! حتماً آنان و یاران و پیروان و تابعانشان «در پست‌ترین جایگاه آتش خواهند بود» و «چه جایگاه بدی است منزل متکبران».

آگاه باشید که آنان اصحاب صحیفه‌اند. اکنون هر کس در صحیفه خود نظر کند!

[راوی می‌گوید مساله صحیفه بر مردم مخفی ماند مگر گروه اندکی]

ای مردم! من حکومت [دینی] را در قالب امامت و وراثت تا روز قیامت در میان فرزندان خود می‌گذارم و آنچه را نیز به رساندنش مأمور بودم، رساندم و این حجتی است بر هر حاضر و غایب و بر هر کس که در اینجا حضور داشته و یا نداشته، تاکنون زاده شده یا هنوز زاده نشده است. پس تا روز قیامت هر حاضری به غایب و هر پدری به فرزند برساند.

و به زودی گروهی پس از من، امامت را غصب کرده و با پادشاهی جا به جا کنند.

آگاه باشید که لعنت بر غاصبان و غصب کنندگان باد! و البته به زودی

«سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ فَيُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ»؛  
مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ يَذَرُكُمْ «عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ  
الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ»؛  
مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيْبَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا وَكَذَلِكَ يُهْلِكُ  
الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَهَذَا عَلَيَّ إِمَامُكُمْ وَوَلِيُّكُمْ وَهُوَ  
مَوَاعِيدُ اللَّهِ وَاللَّهُ يُصَدِّقُ مَا وَعَدَهُ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَهُوَ  
مُهْلِكُ الْآخِرِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ. ثُمَّ نُنْبِئُهُمُ الْآخِرِينَ.  
كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ. وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ»؛<sup>٣</sup>

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَ  
النَّهْيَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَانْتَهُوا لِنَهْيِهِ

١. الرحمن: ٣١ و ٣٥.

٢. آل عمران: ١٧٩.

٣. المرسلات: ١٦ - ١٩.



## شرح وازگان

۶۱

بذر:

رها ساخت

۶۲

تکذیب:

امتناع و منکر شدن

۶۳

مواعید:

زمان و مکان وعده

۶۴

انتهاوا

دست بردارید

خداوند «به کار شما، جن و انس خواهد پرداخت و شعله‌های آتش و مس گداخته بر سر شما ریخته خواهد شد و در آن هنگام هرگز یاری نمی‌شوید».

ای مردم! همانا خداوند عزوجل شما را به خود رها نخواهد کرد «تا ناپاک را از پاک جدا کند و هرآینه خداوند شما را بر غیب آگاه نمی‌سازد». ای مردم! هیچ آبادی ای نیست مگر آنکه خداوند آن را به بی‌ایمانی‌اش نابود می‌کند و بدین سان چنان‌که خداوند در کتاب خود یادآور شده است، آبادی‌ها را در حالی که ستمکارند نابود می‌گرداند.

این علی رضی الله عنه است، امام و ولی‌تان و این نیز وعده‌ها و هشدارهای خداوند است و خداوند در وعده‌ای که می‌دهد راست‌گوست.

ای مردم! پیش از شما بسیاری گمراه شدند و خداوند آنان را نابود کرد و او نیز نابودکننده آیندگان است. خداوند تعالی گوید: «آیا پیشینیان را تباہ نکردیم؟ و سپس آیندگان را نابود نساختیم؟ آری با مجرمان این چنین کنیم. وای بر ناباوران در روز رستاخیز».

ای مردم! خداوند مرا فرمان داده و نهی کرده و من نیز علی رضی الله عنه را فرمان داده و نهی کرده‌ام و او امر و نهی را از پروردگار خویش عزوجل آموخته است، پس فرمان او را گوش بدارید تا اسلام آورده باشید؛ از او اطاعت کنید تا راه یابید؛ از آنچه شما را از آن باز داشته، دست بدارید تا به کمال برسید؛

تَرَشُدُوا وَصَبِّرُوا إِلَىٰ مُرَادِهِ ﴿وَلَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ﴾؛  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي  
 ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ «يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»؛  
 ثُمَّ قَرَأَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِلَىٰ آخِرِهَا»<sup>٦</sup> وَقَالَ فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ وَلَهُمْ  
 عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ خُصَّتْ أَوْلِيَاكَ «أَوْلِيَاءُ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛  
 «إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيِّ هُمُ أَهْلُ الشِّتَاقِ وَالنِّفَاقِ وَالْحَادُونَ وَهُمْ الْعَادُونَ وَإِخْوَانُ  
 الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ «يُوجِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا»<sup>٦</sup> أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ  
 الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

١. الانعام: ١٥٣.

٢. الاعراف: ١٥٩.

٣. الفاتحة: ١-٧.

٤. يونس: ٦٢.

٥. المائدة: ٥٦.

٦. الانعام: ١١٢.

## شرح واژگان

۶۵

شفاق:  
ستیزه‌گری  
مشاجره  
ناسازگاری

۶۶

نفاق:  
دورویی

۶۷

حاد:  
خشم‌گرفتن  
وابراز دشمنی

۶۸

عاد:  
ستیزه‌جو، کینه‌توز

و به سوی آنچه او می‌خواهد، بروید و «و هرگز راه‌های پراکنده، شما را از راه او باز ندارد».

ای مردم! من راه راست خداوندم که شما را به پیروی از آن فرمان داده و پس از من علی علیه السلام و پس از علی علیه السلام نیز فرزندان من که از صلب اویند [راه راست خداوند هستند]، امامانی که به حق رهنمون می‌گردند «و با حق دادگری می‌کنند». [سپس چنین خواند:]

«به نام خداوند بخشنده مهربان. تمامی ستایش‌ها و یژه پروردگار جهانیان است. او که بخشنده است و مهربان. فرمانروای روز جزاست. خداوند! تنها تورا می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. ما را به صراط مستقیم راهنمایی کن. راه آنان که برایشان منت نهاده، نعمتشان بخشیدی؛ نه راه خشم‌شدگان و نه راه گمراهان!».

[آنگاه فرمود:] این سوره درباره من و درباره آنان نازل شده، آنان را فرامی‌گیرد و هم به آنان اختصاص دارد و آنان اند اولیای خدا که «ترس و اندوهی برایشان نباشد». آگاه باشید! «همانا حزب الهی چیره خواهد بود».

آگاه باشید که دشمنان علی علیه السلام، همان مخالفت و رزان، منافقان، سرسختان و دشمنان کینه‌توز و برادران شیاطینی هستند که «برای گمراهی مردمان، سخنان بیهوده را به یکدیگر می‌رسانند».

آگاه باشید که دوستان او همان کسانی هستند که خداوند در کتاب خود



## شرح واژگان

۶۹

آمنین:

حفاظت شده  
در امان، بی خطر

از آنان یاد کرده و فرموده است: «[ای پیامبر ما!] نمی‌یابی ایمان آورندگان به خدا و روز بازپسین را که ستیزه‌گران خدا و رسول او را دوست بدارند؛ گرچه پدران، فرزندان، برادران و خویشان‌شان باشند».

۷۰

شهیق:

صدای دم آتش

آگاه باشید! دوستانِ امامان، مؤمنانی هستند که خداوند عزوجل چنین توصیفشان فرموده: «آنان که ایمان آورده، باور خود را به شرک نیالوده‌اند؛ پس ایشان در امان‌اند و راه یافتگان».

۷۱

تفور:

زبان‌کشیدن  
جوشیدن

آگاه باشید! ایشان با آرامش و سلامت به بهشت وارد خواهند شد. «و فرشتگان، با رفاه و تسلیم آنان را پذیرفته» می‌گویند: «درود بر شما، اکنون پاکیزه شده‌اید! در بهشت، جاودانه درآیید»

۷۲

زفیر:

صدای بازدم آتش

آگاه باشید! پاداش دوستان امامان است که «در آن بی حساب روزی داده خواهند شد».

هشدار! دشمنان امامان «در آتش وارد شوند».

آگاه باشید که ناله جهنم را - درحالی‌که شعله‌های آن زبانه می‌کشد - می‌شنوند و صدای دم و بازدم آتش آن را درمی‌یابند؛ و خداوند در وصفشان فرماید: «هرگاه امتی در جهنم درآید، همتای خود را نفرین کند».

آگاه باشید که خداوند درباره دشمنان امامان فرماید: «هر گروه از آنان که در جهنم انداخته شوند، نگاهبانان از آنان می‌پرسند: مگر بر شما ترساننده‌ای نیامد؟ گفتند: چرا! لیکن آن‌ها را تکذیب کردیم و گفتیم خداوند خبری

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ. قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ  
أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ<sup>١</sup> «الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ  
مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ»<sup>٢</sup>؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْجَنَّةِ عَدُونَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ وَوَلَّيْنَا  
مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَأَحَبَّهُ؛  
مَعَاشِرَ النَّاسِ أَلَا وَإِنِّي مُنذِرٌ وَعَلِيٌّ هَادٍ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيِّي أَلَا إِنَّ حَاتِمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ  
أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ  
وَهَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ كُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ  
اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِلدِّينِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ العَرَّافُ فِي بَحْرِ عَمِيقٍ أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي  
فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَمُخْتَارُهُ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ

١. الملك: ٨ - ٩.

٢. الملك: ١٢.

## شرح واژگان

۷۳

بشتان:  
اسم فعل. بمعنای  
وجود فاصل  
دوری زیاد

۷۴

حصن:  
قلعه و دژ

۷۵

غرف:  
با مشیت برداشتن؛  
درا اینجا: بهره‌مندی  
از معارف

۷۶

بسم الشیء:  
علامت‌گذاری  
نشان‌گذاشتن

[از آمدن شما] نداده و شما نیستید مگر در گمراهی بزرگ .  
آگاه باشید که اولیای خداوند همان کسانی هستند که «در نهان از  
پروردگارشان بیم می‌برند، آنان را آمرزش است و پاداشی بزرگ» .  
ای مردم! میان بهشت و دوزخ بسیار تفاوت است، دشمن ما کسی است  
که خداوند او را نکوهیده و لعنت کرده؛ و دوست ما کسی است که خداوند  
او را ستوده و دوست داشته است.  
ای مردم! آگاه باشید که من هشدار دهنده‌ام و علی علیه السلام هدایت‌گر است.  
ای مردم! من پیام‌برم و علی علیه السلام وصی من است.  
آگاه باشید که خاتم امامان، مهدی قائم از ماست.  
آگاه باشید که او بر همهٔ ادیان چیره می‌شود.  
آگاه باشید که او از ستمگران انتقام می‌گیرد.  
آگاه باشید که او گشاینده و درهم کوبندهٔ دژهاست.  
آگاه باشید که او قاتل همهٔ مشرکان است.  
آگاه باشید که او انتقام خون همهٔ اولیای خدا را می‌گیرد.  
آگاه باشید! اوست که دین را یاری می‌دهد.  
آگاه باشید! او بر خودار از دریای عمیق [علم الهی] است.  
آگاه باشید! او هر ارزشمندی را به اندازهٔ ارزش او؛ و هر نادان و بی‌ارزشی را  
به اندازهٔ نادانی اش، مشخص و دارای نشانه می‌کند.  
آگاه باشید! او برگزیدهٔ خداوند است.

كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ إِلَّا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الْمُنْبِئُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ إِلَّا  
إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ إِلَّا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ إِلَّا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ  
إِلَّا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ إِلَّا إِنَّهُ لَا  
غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ إِلَّا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ  
فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَ أَفْهَمْتُكُمْ وَ هَذَا عَلَيَّ يَفْهَمُكُمْ بَعْدِي إِلَّا وَ إِنِّي  
عِنْدَ انْقِضَاءِ حُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ  
بَعْدِي إِلَّا وَ إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي وَ أَنَا أَخَذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ  
عَزَّوَجَلَّ «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ» ١ الْآيَةَ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ الْحَجَّ وَ الصَّفَا وَ الْمَرُورَةَ وَ الْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ «فَمَنْ حَجَّ  
الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» ٢ الْآيَةَ؛

١. الفتح: ١٠.

٢. البقرة: ١٥٨.



## شرح واژگان

۷۷

صفق:

زدنِ دست  
به منظور بیعت

۷۸

مصافقة:

بیعت کردن

۷۹

و نکث العهد

نقض عهد  
و شکستن آن

۸۰

شعائر:

مظاهر عبادت  
و نیایش

آگاه باشید! او وارث هر علم است و به آن احاطه دارد.  
آگاه باشید! اوست که از جانب پروردگار عزوجل خبر می‌دهد و همگان را  
به پیمانِ ایمان با او یادآور می‌گردد.

آگاه باشید! او استوار اندیش و راه یافته است.

آگاه باشید! او کسی است که امر شریعت به او واگذار می‌شود.

آگاه باشید! اوست که همه گذشتگان، مؤدّه آمدنش را داده‌اند.

آگاه باشید! او حجت ماندگار خداوند است و پس از او حجتی نیست،  
حق تنها با اوست و نور تنها نزد او.

آگاه باشید! نه کسی بر او چیرگی دارد و نه در برابر او به پیروزی رسد.

آگاه باشید! او ولی خدا در زمین، داور او در میان مردم و امین او در پیدا  
و پنهان است.

ای مردم! من [آنچه لازم بود] برایتان بیان کردم و حقیقت را به شما فهماندم  
و این علی علیه السلام است که پس از من به شما می‌فهماند.

آگاه باشید! من در پایان این خطبه، شما را به دست دادن با خودم [و تعهد  
گرفتن از شما] برای بیعت با او و پذیرفتن او؛ و پس از آن نیز بردست بیعت  
دادن با او فرامی‌خوانم.

آگاه باشید! من با خدا بیعت کرده‌ام و علی علیه السلام با من بیعت کرده است  
و اینک از جانب خداوند برای او بیعت می‌گیرم، «پس آن کس که بیعت  
شکند، به زیان خود شکسته».

مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُوجَا الْبَيْتِ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَعْنُوا وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا  
اِفْتَقَرُوا؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى  
وَقْتِهِ ذَلِكَ فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتُؤْنَفَ عَمَلُهُ؛  
مَعَاشِرَ النَّاسِ الْحُجَّاجِ مُعَاوِنُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخَلَّفَةٌ وَ «اللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ  
الْمُحْسِنِينَ»؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُوجَا الْبَيْتِ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّفَقُّهِ وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ  
إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَإِقْلَاعٍ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ اتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِيَنْ طَالَ  
عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيْتُمْ فَعَلِيٌّ وَلِيُكُمُ وَ مُبَيِّنٌ لَكُمْ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ  
عَزَّوَجَلَّ بَعْدِي وَ مَنْ خَلَفَهُ اللَّهُ مِنِّي وَ مِنْهُ يُخْبِرُكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَ يُبَيِّنُ  
لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ إِلَّا إِنَّ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَ أَعْرِفَهُمَا

١. يوسف: ٩٠.

## شرح واژگان

۸۱

معاونون:  
یاری شده

ای مردم! حج و صفا و مروه و عمره از شعائر خداوند است، «پس زائران خانه خدا و عمره‌کنندگان بر صفا و مروه بسیار طواف کنند و آن کس که در انجام کار خیر، فرمان برداری کند حتماً خداوند سپاس‌گزار داناست». ای مردم! حج خانه خدا گزارید که صاحبان هیچ خانه‌ای حج نگزارند، مگر آن‌که بی‌نیاز شوند؛ و اهل هیچ خانه‌ای از آن روی نگردانند، مگر آن‌که نیازمند شوند.

۸۲

مخلفة:  
عوض گیرنده

ای مردم! هیچ مؤمنی در موقف [منا و عرفات] نیستد، مگر آن‌که خداوند همه گناهان او را تا آن زمان ببامرزد، پس باید چون حج را به پایان برد کار خویش را از نو آغاز کند.

۸۳

تفقه:  
فهم و شناخت

ای مردم! حاجیان یاری داده می‌شوند و آنچه را خرج کنند، خداوند جایگزین می‌آورد و «خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند». ای مردم! با دین کامل و با شناخت، حج گزارید و تنها در حالتی از این اماکن مقدس بازگردید که توبه کرده و از گناه بریده‌اید.

۸۴

الاقلاع:  
جدا و بریده شدن  
در اینجا: ترک گناه

ای مردم! چنان‌که خدای عزوجل فرمان داده است نماز به جای آوردید و زکات دهید. اگر زمانی دراز بر شما بگذرد و در دین کوتاهی ورزید یا فراموش کنید، علی عليه السلام ولی شما و کسی است که دین را برایتان بیان می‌دارد، همان‌که خداوند او را پس از من گماشته و هر که خدا او را بگمارد، از من است و من از اویم؛ او شما را از آنچه پیرسید خبر می‌دهد و آنچه را ندانید بیان می‌دارد.

فَأَمْرٌ بِالْحَلَالِ وَأَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَأَمِرْتُ أَنْ أَخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ  
الصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةَ  
مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ أَيْمَةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي  
يَقْضِي بِالْحَقِّ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ وَكُلُّ حَلَالٍ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ أَوْ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ  
عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْ أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ وَلَا تُبَدِّلُوهُ وَلَا  
تُغَيِّرُوهُ؛

أَلَا وَإِنِّي أَجِدُّ الْقَوْلَ أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا  
عَنِ الْمُنْكَرِ أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي  
وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَتَنْهَوْهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ  
عَزَّوَجَلَّ وَمِنِّي وَلَا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيٌ عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ؛  
مَعَاشِرَ النَّاسِ الْقُرْآنَ يُعْرِفُكُمْ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ وَعَرَفْتُمْ أَنَّهُ مِنِّي وَأَنَا

## شرح واژگان

۸۵

دلالیت:

ارشاد، راهنمایی  
هدایت، اشاره

۸۶

ذکر:

یادآوری کردن

۸۷

تواصی:

سفارش کردن

۸۸

تجدید:

تازه کردن، بازگویی

آگاه باشید! حلال و حرام بیشتر از آن است که همه را یک به یک بشمارم و از آن‌ها آگاهتان سازم، پس شما را در یک سخن به هر چه حلال است فرمان می‌دهم و از هر چه حرام است بازمی‌دارم.

اینک فرمان آن دارم که بر پذیرش آنچه از جانب خداوند عزوجل درباره امیرمؤمنان علی علیه السلام و امامان پس از او آمده از شما بیعت و پیمان بگیریم، امامانی که از من هستند و من از ایشان؛ تا قیام قیامت، امامت آنان بر جاست و مهدی که به حق حکم می‌راند از ایشان است. هر حلالی که شما را به آن رهنمون شده‌ام و هر حرامی که شما را از آن بازداشته‌ام، برجاست و از آن برنگشته و تغییری در آن نیآورده‌ام.

آگاه باشید! یادآور این حلال و حرام باشید، آن را پاس بدارید، همدیگر را به آن سفارش کنید، چیزی به جای آن قرار ندهید و در آن تغییری نیاورید. آگاه باشید! دیگر بار می‌گویم آگاه باشید! نماز را به پای دارید، زکات دهید، به معروف فرمان دهید و از منکر بازدارید.

آگاه باشید! سرآغاز امر به معروف و نهی از منکر آن است که به سخن من گوش و دل سپارید و آن [امر ولایت] را به هر که حضور ندارد برسانید و آنان را به پذیرش آن فرمان دهید و از مخالفت با آن بازدارید که آن فرمان خداوند و فرمان من است و هیچ امر به معروف و نهی از منکر جز با [وجود] امام معصوم نیست.

مِنْهُ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ»<sup>١</sup> وَقُلْتُ لَنْ تَضِلُّوا مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِمَا؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّقْوَى التَّقْوَى احذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «إِنَّ زُلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ»<sup>٢</sup> اذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمُحَاسَبَةَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالثَّوَابَ وَالْعِقَابَ فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبُ عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَيْفٍ وَاحِدَةٍ وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيٍّ مِنْ إِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ عَلَى مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ؛

«إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ

١. الزخرف: ٢٨.

٢. الحج: ١.

## شرح واژگان

۸۹

تمسک:  
آویختن  
پناهنده شدن

۹۰

جنان:  
بهشت

۹۱

کف:  
دست، کف دست

۹۲

عقد:  
محکم کردن، بستن

ای مردم! قرآن شما را به این حقیقت آگاه می‌کند که امامان پس از او، فرزندان اویند و من نیز شما را از این آگاه می‌سازم که او از من است و من از اویم، آنجا که خداوند در کتاب خود می‌گوید: «امامت را فرمانی پایدار در نسل او قرار داد» و من نیز گفته‌ام: «مادامی که به آن دو - قرآن و عترت - تمسک کنید، گمراه نخواهید شد.»

ای مردم! از خدا بترسید، از خدا بترسید، از لحظه قیامت پروا کنید که خدای عزوجل فرموده است: «البتّه زمین لرزه رستاخیز، حادثه‌ای بزرگ است.» مرگ و حساب و ترازوی قیامت و محاکمه در پیشگاه خداوند و نیز پاداش و کیفر را یادآور باشید که هر کس کاری نیک بیاورد بر آن پاداش ببیند و هر کس کاری بد آورد، او را در بهشت بهره‌ای نیست.

ای مردم! شما افزون‌تر از آنید که همه بتوانید یک‌باره دست بیعت به من دهید؛ اما خداوند عزوجل مرا فرمان داده که از شما اقرار زبانی بگیرم و پیمان سرپرستی علی علیه السلام امیرالمؤمنین را محکم کنم و همچنین [از شما برقبول ولایت] امامان پس از او [بیعت بگیرم، همان امامانی] که از نسل من و اویند؛ چراکه گفتم: فرزندانم از نسل اویند.

پس همه باهم بگویید:

«ما آنچه از جانب پروردگار خود و پروردگار ما، درباره امامت علی علیه السلام و امامانی که فرزندانش هستند به ما رسانده‌ای، شنیدیم و به آن سرتسلیم

وَأَمْرٍ وُلْدِهِ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ نُبَايَعَكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنَّتِنَا  
وَأَيْدِينَا عَلَى ذَلِكَ نَحْيَا وَنَمُوتُ وَنُبْعَثُ وَلَا نَعْيِرُ وَلَا نَبْدِلُ وَلَا نَشْكُ وَلَا  
نَرْتَابُ وَلَا نَرْجِعُ عَنْ عَهْدٍ وَلَا نَنْفِضُ الْمِيثَاقَ نَطِيعُ اللَّهِ وَنُطِيعُكَ وَعَلِيًّا أَمِيرَ  
الْمُؤْمِنِينَ وَوَلَدَهُ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَ  
الْحُسَيْنِ الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتَكُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي وَمَحَلَّهُمَا عِنْدِي وَمَنْزَلَتُهُمَا مِنْ رَبِّي  
عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ أَذِيَتْ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ وَإِنَّهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِنَّهُمَا الْإِمَامَانِ  
بَعْدَ أَبِيهِمَا عَلِيٍّ وَأَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ وَقُولُوا أَطْعَمَنَا اللَّهُ بِذَلِكَ وَإِيَّاكَ وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ  
وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَمِيثَاقًا مَأْخُودًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ  
قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنَّتِنَا وَمُصَافَقَةِ أَيْدِينَا مَنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ وَأَقْرَبَهُمَا بِلِسَانِهِ  
وَلَا تَبْغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا تَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا أَشْهَدْنَا اللَّهَ وَكَفَى  
بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ وَكُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ وَاسْتَتَرَ وَمَلَائِكَةُ  
اللَّهِ وَجُنُودُهُ وَعَبِيدُهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ؛



## شرح واژگان

۹۳

:لانرتاب  
تدرید نمی‌کنیم

۹۴

:حولا  
نابودی  
جایجاشدن

۹۵

:استتر  
خود را پوشانید

۹۶

:جنود  
سربازان، سپاهیان

نهاده‌ایم و خشنودیم و فرمان‌بر؛ و با دل و جان و زبان و دست بر این امر با تو بیعت می‌کنیم و بر همین پیمان زنده‌ایم و می‌میریم و برانگیخته می‌شویم؛ و هیچ‌گاه در این پیمان تغییر و تبدیل روانی داریم و در آن شک و تردید نمی‌ورزیم و از پیمان بازمی‌گردیم و عهد خویش را نمی‌شکنیم و از خداوند و از تواز علی علیه السلام و فرزندانش فرمان می‌بریم، [همان] امامانی که گفتی نسل تو و فرزندان اویند و پس از حسن و حسین علیهم السلام می‌آیند؛ همان دو نفری هستند که شما را از جایگاه و منزلت آنان نزد من و نیز نزد پروردگار عزوجل آگاه کردم؛ همان دو که سروران جوانان بهشتی و پس از پدر خود علی علیه السلام امام‌اند و من و پدرشان پیش از آنانیم. بگویند: «بر اساس این پیمان، از خداوند و تو و علی و حسن و حسین علیهم السلام و امامانی که یاد کردی، فرمان می‌بریم و با دل و جان و زبان با امیر مؤمنان عهد و پیمان می‌بندیم و بیعت می‌کنیم؛ و هرکدام از ما که بتواند با آن دو [امام حسن و امام حسین علیهم السلام] نیز دست بیعت می‌دهد و به زبان با آنان بیعت می‌کند. هرگز از این کار خود پاداش نخواهیم و این اجازه را به خود نمی‌دهیم که از آن برگردیم. خداوند را بر این پیمان گواه گرفتیم و گواهی خداوند کافی است؛ و تو نیز بر این پیمان، بر ما گواه و شاهی؛ و نیز همه آنان که از خداوند فرمان می‌برند - خواه آنان که هستند و خواه آنان که هنوز نیامده‌اند - و همچنین فرشتگان و سپاهیان و بندگان خداوند بر این بیعت، گواهی و شهادت می‌دهند و البته خداوند از هر گواه و شاهی بزرگ‌تر است.»

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةَ كُلِّ نَفْسٍ «فَمَنْ  
اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا»<sup>١</sup> وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ «يُدُّ  
اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»<sup>٢</sup>؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَبَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَ  
الْأَيْمَةَ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً يَهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى وَ «مَنْ نَكَثَ  
فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ»<sup>٣</sup> الْآيَةَ؛

مَعَاشِرَ النَّاسِ قُولُوا الَّذِي قُلْتُمْ لَكُمْ وَسَلِّمُوا عَلَيَّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَقُولُوا  
«سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»<sup>٤</sup> وَقُولُوا «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا  
لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»<sup>٥</sup> الْآيَةَ؛

---

١. الزمر: ٤١.

٢. الفتح: ١٠.

٣. الفتح: ١٠.

٤. البقرة: ٢٨٥.

٥. الأعراف: ٤٣.

ای مردم! اینک چه می‌گویید؟

## شرح واژگان

۹۷

صوت:  
صدا، آوا

خداوند هر صدایی را که بلند شود و هر اندیشه‌ای را که در درون باشد، می‌داند. پس «هر آن کس که هدایت پذیرد، به خیر خویش پذیرفته و آن که گمراه شد، به زیان خود رفته»؛ و آن کس که بیعت کند، حتماً با خداوند پیمان بسته که «دست خدا بالای دست آن‌هاست».

۹۸

خافیه:  
آنچه که پنهان باشد

ای مردم! از خدا بترسید و با امیر مؤمنان علی و حسن و حسین علیهم‌السلام و همه امامان بیعت نمایید که این عقیده‌ای پاک و پاکیزه و ماندگار است؛ و خداوند هلاک کند آن کس را که حیله و نیرنگ ورزد؛ و بیامزد آن کس را که وفا کند.

۹۹

غدر:  
پیمان شکنی  
بی‌وفایی

«و هر کس پیمان بشکند، البته به زیان خود گام نهاده و آن که بر عهدش پابرجا ماند، به زودی خدا او را پاداش بزرگی خواهد داد». ای مردم! آنچه برایتان گفتم، بگویید و بر علی علیه‌السلام به عنوان «امیرالمؤمنین» سلام کنید و بگویید:

۱۰۰

وفی:  
به عهد خود وفا کرد

«شنیدیم و فرمان می‌بریم. پروردگارا! آمرزشت را خواهیم و بازگشت به سوی توست»؛ و بگویید:  
«تمام ستایش و سپاس، از آن‌ خدایی است که ما را به این راه هدایت فرمود و گرنه راه نمی‌یافتیم».

مَعَاثِرَ النَّاسِ إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَقَدْ  
أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَّفَهَا  
فَصَدِّقُوهُ؛ مَعَاثِرَ النَّاسِ «مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» وَ عَلِيًّا وَ الْأَيِّمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ  
«فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا»؛

مَعَاثِرَ النَّاسِ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مَوَالِيَتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ  
الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ؛  
مَعَاثِرَ النَّاسِ قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ «فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ  
فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»<sup>٢</sup> «فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا»<sup>٣</sup> اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ اغْضَبْ عَلَى  
الْكَافِرِينَ وَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛

---

١. الاحزاب: ٧١.

٢. ابراهيم: ٨.

٣. آل عمران: ١٤٤.

٤. الفاتحة: ١.

## شرح واژگان

۱۰۱

أنبأ:

خبر دهد، آگاه کند

ای مردم! فضایل علی علیه السلام بن ابی طالب نزد خداوند عزوجل - که آن‌ها را در قرآن نیز نازل کرده - بیشتر از آن است که در یک گفتار همه را در بر شمارم، پس هر که شما را از این فضایل آگاه کند و به آن خبر دهد، باورش دارید [و آن‌ها را تصدیق و تایید کنید].

۱۰۲

عَرَفَ:

معرفی کند

ای مردم! «هر کس فرمان برداری کند از خدا و فرستاده او» و علی علیه السلام و امامانی که یادآور شدم، «به رستگاری بزرگی دست یافته است». ای مردم! کسانی که به بیعت با او و پذیرش ولایتش و نیز به درود فرستادن بر او به عنوان «امیرالمؤمنین» بشتابند، رستگاران در بهشتِ نعمت‌های الهی‌اند.

۱۰۳

تصدیق:

تایید، پذیرش

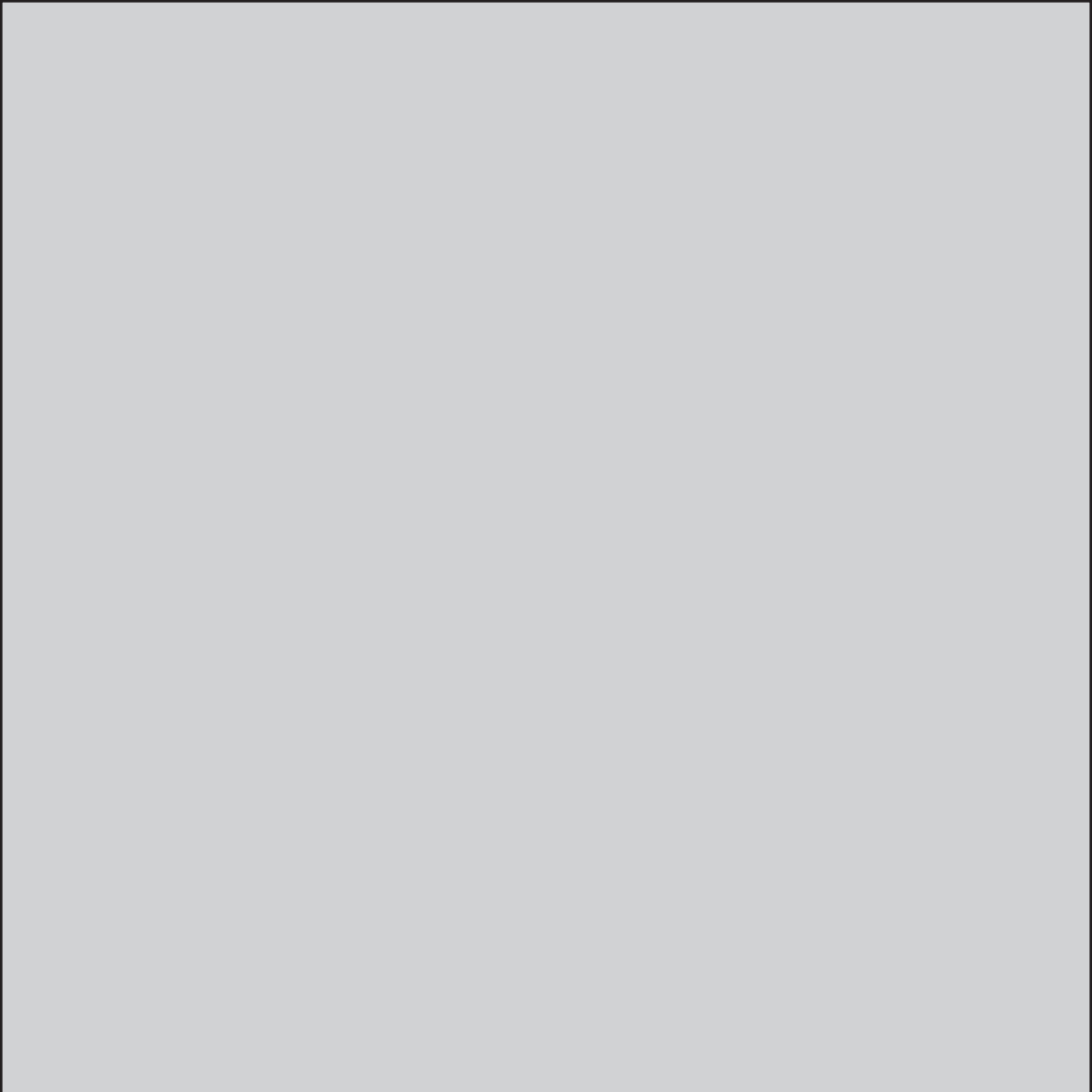
ای مردم! سخنی را بگویند که خداوند به آن از شما خشنود شود که «اگر شما و همه کسانی که بر روی زمین هستند، همگی کافر شوید» «خدا را ذره‌ای زیان نخواهد رسید».

۱۰۴

تسليم:

سلام و درود گفتن

پروردگارا! مردان و زنان مؤمن را بیامرز و خشم خویش را بر کافران روا بدار؛ و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است.



أبانه، وأتخذوا إلى شخصاه ولا شياً  
فثابته، فواله لبيبي لضم دوا حرة ولبي  
يوضح لضم تفسيره إلا أنه أنا أخذ يده  
ومضته إلى ونازل بيده (دماضه يتدو) و  
فيلهم: أن من صفت فؤلة فمما عجا  
فؤلة، فوعلي نأى طالب أعي ووعلي،  
و فؤالته من الله عز وجل أتوها عجا  
فماض التاني، أن عجا والطيب من فؤله (من  
عليه) فمما نقل الأضمر، فالهزان الثقل  
الأضمر، فمما واحد منهما هنيئ عن  
صاحبه ففؤالته، لبي يفرها عجا يرمها عجا  
الحرف الألف أمنا، الله في علفه و  
عصافه في أمه. الألف أميت الألف  
فقد لشد، الألف أميت، الألف  
أفوضت، الألف أن الله عز وجل قال  
و أنا قلت عن الله عز وجل، الآية لا  
(أمير المؤمنين) خير أعم مما، الألف  
أخرة المؤمنين بعد لأحم غيره، قال:  
(أيها التاني، من أقر بكف من أنفسكم؟  
قالوا: الله ورسوله، فقال: ألا من صفت  
فؤلة فمما عجا فؤلة، اللهم وال  
من فؤلة و حام من حمارة فأنظر من  
نيرة وانخذل من عذله. فمما التاني،  
مما عجا عجي ووعلي ووعلي عجي،  
و علفي في أفع عجا من أفعي ووعلي تفسير  
كتاب الله عز وجل والتاعي إليه  
فالمما ياترطاه فاصاربت لأعماته  
فالمما عجا طاعه فالتاني عن فضيته.  
أية خليفة رسول الله و أمير المؤمنين  
فالأمام المهدي من الله، و قائل التاكيد  
فالمطير فاصاربت بأفراه. يقول الله:  
(ما تبدل القول لمة). بأفوك بأذت أقول:  
اللفم وال من فؤلة و حام من حمارة  
(وانظر من نيرة وانخذل من عذله) والفم  
من أنكرة فاصعب عجا من حمد عفا.  
اللفم ابتدأزلت الآية في عجا وليتد  
عندتني حالك ونسب الآية لهذا اليوم:  
(اليوم اصعبت لضم ديتكم واصعبت  
عليكم شقي و صعبت لضم الإسلام  
دينا)، (و من يتبع غير الإسلام ديناً فلن يقبل  
منه دهر في الآخرة من العالين). اللهم  
أي اللهمك أي قد لشد. فمما التاني،  
مما عجا، أنظر لبي و أحفظ لبي  
فأفرضه إلى وأحفظ عجا، أية  
عجا في الفم الآية، فلامه الله

# كتاب نامه

قرآن کریم

- ابن اثیر، النہایۃ، بہ تحقیق طاہر أحمد الزاوی، بیروت، المکتبہ العلمیہ.
- ابن جزری شافعی، أسنی المطالب، بیروت، دارالکتب العلمیہ.
- ابن صبغ مالکی، الفصول المهمہ، تحقیق سامی الغریری، قم، دارالحدیث.
- ابن کثیر، البدایۃ و النہایۃ، تحقیق علی شیر، بیروت، دار احیاء التراث.
- ابن مغزلی، مناقب علی بن ابی طالب، تہران، مکتبہ اسلامیہ.
- احمد بن عبد اللہ طبری، ذخائر العقبی، قاہرہ، مکتبہ القدسی.
- امینی، الغدیر، بیروت، دارالکتاب العربی.
- انصاری، محمد باقر، اسرار غدیر، قم، انتشارات دلیل ما.
- انصاری، محمد باقر، گزارش لحظہ بہ لحظہ از واقعہ غدیر، قم، انتشارات دلیل ما.
- بحرانی، سیدہ اشہم، کشف المهم فی طریق خبر غدیر خم، قم، انتشارات ہمای غدیر.
- بحرانی، عبد اللہ، عوالم العلوم، قم، مؤسسہ امام مہدی.
- حر عاملی، اثبات الہدایۃ، بیروت، مؤسسہ اعلمی للمطبوعات.
- سلیم بن قیس، کتاب سلیم، تحقیق محمد باقر انصاری، قم، الہادی.
- شوشتری، احقاق الحق، قم، مکتبہ آیت اللہ مرعشی.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم، مکتبہ آیۃ اللہ المرعشی.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تصحیح خراسانی، مشهد، نشر مرتضی.
- مجلسی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسہ الوفاء.
- مفید، محمد بن محمد، الأمالی للمفید، قم، کنگرہ شیخ مفید.
- یاقوت، شہاب الدین ابو عبد اللہ، معجم البلدان، بیروت، دار صادر.